

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکاپ موفقیت

پیشگیری از فقر و بیکاری ارزان تر از درمان آن است.

به همراه تجویز نسخه موفقیت

نو پسندہ: عبدالقہوم قلی پوری

سرشناسه	: قلی پوری، عبدالقیوم، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور	: چکاپ موفقیت: پیشگیری از فقر و بیکاری ارزان تر از درمان آن است به همراه تجویز نسخه موفقیت / نویسنده عبدالقیوم قلی پوری.
مشخصات نشر	: گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۴۰۳- مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص.
شابک	: 978-622-0233-14-5 - وضعیت فهرست نویسی: نفیبا
موضوع	: موفقیت Success فقر -- پیشگیری Poverty -- Prevention موفقیت در کسب و کار Success in business
رده بندی کنگره	: ۲/۱۶۱۱BJ - رده بندی دیویی: ۱/۶۵۰ - شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۱۹۲۲۷

چکاپ موفقیت

نویسنده: عبدالقیوم قلی پوری

ویراستار: آینا حنفی

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص

قطع: جیبی

شمارگان: ۳۰۰

شماره شابک: ۵-۳۳۱۴-۰۲-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

مجوز و چاپ: انتشارات نوروزی، گرگان، خیابان شهید بهشتی، پاساژ رضا، ۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است.



گلوستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، پاساژ رضا، کدپستی ۴۹۱۶۶۵۷۳۷۶

entesharatnoruzi

۰۱۷-۳۳۴۴۲۲۵۸-۰۹۱۱۳۷۱۹۱۱۵

www.entesharate-noruzi.com

entesharate.noruzi@gmail.com

تقدیم به

همه دانشجویان ایران عزیز

دانشجوی عزیز

با چکاپ موفقیت یاد می گیرید:

چقدر با موفقیت فاصله دارید.

با نسخه موفقیت یاد می گیرید:

چگونه این فاصله را طی بکنید.

آرزوی هر پدر و مادر

زمانی که نوجوانی بیش نبودم هر زمان به خانه پدربزرگم می‌رفتم؛ مادربزرگم (مادر مادرم) مرا با خودش همه‌جا به‌ویژه عروسی فامیل‌های دور و نزدیک می‌برد. وقتی خودروی عروس (کجاوه) می‌آمد؛ مادربزرگم دستی به روی ماشین می‌کشید و مخصوصاً دستش را به آردی که روی کجاوه ریخته شده بود آغشته می‌کرد و دست آردی خود را روی پیشانی من می‌کشید. بعدها که دیپلم گرفتم وارد دانشگاه شدم و تا پله‌های آخر آموزش عالی ادامه دادم و استاد دانشگاه شدم و در پست‌های مدیریتی مختلفی از جمله مرکز رشد، مرکز کارآفرینی، مرکز مهارت‌آموزی و به‌عنوان مسئول راه‌اندازی و رئیس پارک علم و فناوری خدمت نمودم. حالا هم به خانه پدربزرگم می‌روم و مادربزرگم هنوز هم همان رفتار خودش را دارد با این تفاوت که اول دستش را روی پیشانی من می‌کشد و سپس روی سروصورت نتیجه‌های خودش. روزی به همراه X و Y نزد مادربزرگم رفتم. مادربزرگم مثل همیشه دستش را روی پیشانی من کشید و بعد روی سروصورت نتیجه‌هایش. به مادربزرگم گفتم چرا این کار را با X و Y انجام نمی‌دهید. آنها وضعشان از من هم بهتر است. مادربزرگم جمله‌ای گفت که یک کتاب معنی داشت. گفت: دستاوردهای آنها حاصل دسترنج و اشک، اشک پدر و مادرشان ولی دستاوردهای شما حاصل رشد، رشد خودت.

این نهایت آرزوی هر پدر و مادری است که به فرزندش افتخار کند و به پیشانی‌اش دست بکشد و از ته دل دعا بکند بقیه نیز مثل او بشوند.

این کتاب را ننوشتیم که شما مثل من بشوی. این کتاب را نوشتم تا رشد بکنی و به بهترین خودت تبدیل شوی تا پیشانی‌ات شایسته دست‌های مادرت شود و مادرت با افتخار دو دستش را به پیشانی‌ات بزند و دعا بکند که بقیه نیز مثل شما بشوند.

راهنمای استفاده از کتاب

تفاوت بین زندگی انسان‌ها ناشی از تفاوت بین آموزش‌های آنهاست. آموزش‌های امروز شما به معنی عام کلمه، می‌تواند شما را در آینده یک تحصیل‌کرده بیکار یا یک تحصیل‌کرده ثروتمند بکند. نه فقر و نه بیکاری هیچ‌کدام حادثه ناگهانی در زندگی افراد نیست. هیچ‌کس یک‌شبه فقیر یا بیکار نمی‌شود. فقر و بیکاری نتیجه اقدامات امروزتان در آینده است؛ بنابراین قابل‌پیش‌بینی و مهم‌تر از آن قابل‌پیشگیری است. چکاپ موفقیت به شما کمک می‌کند فاصله خود را با موفقیت محاسبه کنید و اگر سمت‌وسوی زندگی شما دور شدن از موفقیت و رفتن به سمت فقر و بیکاری باشد از آن پیشگیری کنید و نسخه موفقیت به شما کمک می‌کند این فاصله را از جایی که هستید تا رسیدن به موفقیت با لذت و شادی طی کنید. دوست من شما با تهیه این کتاب وارد یک دوره رشد تضمینی شده‌اید. رشدی که افتخارش برای والدیتان و دستاوردهایش برای شماست. این دستاورد علاوه بر پیش‌بینی و پیشگیری از فقر و بیکاری به شرح زیر خواهد بود.

- ۱- کسب درآمد از علاقه،
- ۲- زندگی به روش دلخواه خودتان
- ۳- بیداری و رشد وجود ثروتمندان

این دوره رشد تضمینی دارای چهار بخش به شرح زیر است.

بخش اول: شامل یادآوری پتانسیل‌های انسان است. در این بخش یاد می‌گیرید، در درون ما فقط یک مهندس، یک معلم، یک کارمند یا یک پزشک وجود ندارد؛ بلکه در درون ما انبوهی از پتانسیل‌ها وجود دارد؛ ولی همه آنها یک نقطه اشتراک دارند و آن هم وجود ثروتمندان است. آموزش‌های ما می‌تواند این وجود خود را فراموش و نادیده بگیریم یا می‌تواند باعث بیداری و رشد این وجود بی‌نظیر خود بشویم. در این بخش با شرایط و الزامات بیداری و رشد وجود ثروتمند خود آشنا می‌شوید. این بخش معمولاً به صورت حضوری ارائه می‌شود. اگر برای شما امکان دریافت حضوری این مطالب نباشد می‌توانید از فیلم ویدئویی آن در وبسایت www.drgholipouri.ir رایگان بهره‌مند شوید.

بخش دوم: شامل ارزیابی وضعیت پتانسیل وجود ثروتمندان است. این بخش تحت عنوان چکاپ موفقیت در قالب یک کتاب ارائه می‌شود که در حال مطالعه آن هستید. در این بخش شما جایگاه خود را روی محور موفقیت تعیین می‌کنید. محور موفقیت در حقیقت جایگاه مکانی گروه‌های مختلف جامعه (فقرا، بیکاران، افراد متوسط و ثروتمندان) را نشان می‌دهد. در این بخش همچنین یاد می‌گیرید، فاصله شما با ثروتمند

شدن بسیار کمتر از آن چیزی است که فکر می‌کنید و همچنین یاد می‌گیرید؛ هر آنچه که برای ثروتمند شدن لازم است را دارید.

بخش سوم: شامل دستورالعمل رشد وجود ثروتمندان است که تحت عنوان نسخه موفقیت ارائه می‌شود. در این بخش یاد می‌گیرید از علاقه خود پول در بیاورید. وقتی از علاقه خود پول درمی‌آورید وجود ثروتمندان رشد می‌کند و این دقیقاً کاری است که تمامی ثروتمندان جهان انجام می‌دهند. این بخش شامل ۱۵ ساعت آموزش است. برای اینکه به یک تحصیلکرده بیکار تبدیل شوید لازم نیست؛ ۱۵ سال آموزش سیستماتیک ببینید. ولی برای اینکه به یک تحصیلکرده ثروتمند تبدیل شوید کافی است ۱۵ ساعت آموزش ببینید تا وجود ثروتمند خود را بیدار کنید و در زمان کمتر از آنچه که فکر می‌کنید به تمام آرزوهای خود دست پیدا کنید.

بخش چهارم: این بخش از دوره رشد تضمینی، اختیاری است و شامل سنجش و بازخورد است. در حقیقت در این بخش شما راهنمایی و کوچ می‌شوید. کوچینگ می‌تواند به شما نشان بدهد که شخص دیگری چگونه کاری را که شما می‌خواهید انجام بدهید را انجام داده است و یک مثال کاملاً ملموس از اینکه یک شغل خاص چگونه به نظر می‌رسد؛ به شما نشان می‌دهد. افراد تازه‌کار به این مسیرهای پیشرو نیاز دارند. حتی

اگر دقیقاً این مسیرها را دنبال نکنند. کوچ به شما اطمینان می‌دهد که می‌توانید با انجام کاری که دوست دارید؛ شغلی ایجاد کنید. شاید مهم‌ترین فایده داشتن کوچ این باشد که آنها می‌توانند به شما اعتماد به نفس بدهند؛ حتی زمانی که از نتیجه هراس دارید. می‌توانند ظرفیت‌های فرصتی را که برای شما قابل مشاهده نیست؛ ببینند و از این طریق به شما کمک کنند تا از هرگونه دوگانگی یا عدم تصمیم‌گیری در مورد زندگی آینده خود خلاص شوید.

پیشگفتار

بدترین نوع پارادوکس زندگی این است. بهترین روزهای زندگی‌ات را آموزش ببینید و تا پله‌های آخر آموزش‌های سیستماتیک ادامه بدهید و در پایان آرزوی داشتن زندگی کسانی را بکنید که هیچ آموزشی ندیده‌اند یا کمترین آموزش سیستماتیک را دیده‌اند؛ باوجود این، ثروتمند شده‌اند و بدتر از آن این است که برای ساختن زندگی خود، مسیر همان افرادی را که آموزش سیستماتیک ندیده‌اند و هیچ نوع مدرک دانشگاهی ندارند را تعقیب بکنید. این پارادوکس باعث کاهش رغبت تحصیلی و افزایش افت تحصیلی در تمامی مقاطع آموزش‌های سیستماتیک شده است. وجود این پارادوکس اذیت‌کننده از یک طرف و تغییر تدریجی سیاست آموزشی رایگان به آموزش پولی در کلیه مقاطع آموزشی از طرف دیگر، مردم را به این نتیجه‌گیری سوق داده که آموزش سیستماتیک اگر نمی‌تواند زندگی افراد را بسازد؛ نباید زندگی آنها را به تأخیر بیندازد و بدتر از آن حسرت زندگی کسانی را که آموزش ندیده‌اند را به دل آنها بگذارد. هدف از زندگی، زندگی کردن است. همه ما فقط یکبار زندگی می‌کنیم؛ بنابراین هر چیزی که به زندگی کمک نکند؛ نباید بخشی از زندگی را اشغال کند. پس معیار مفیدبودن آموزش یا هر چیز دیگری با ارتقای سطح زندگی افراد باید سنجیده بشود. بدون شک کسانی که زندگی شادتر و موفق‌تری دارند؛ آموزش دیده‌اند. ممکن است آموزش‌های آنها سیستماتیک نبوده باشد؛ ولی حتماً در راستای اهدافشان بوده است. اساساً تفاوت بین انسان‌ها، تفاوت بین آموزش‌های آنهاست. آنچه که به آموزش لطمه

می‌زند سخت بودن، طولانی‌بودن یا پولی بودن آن نیست. بلکه بی‌نتیجه بودن آن است. امروزه مردم حاضرند پول بدهند و آموزش ببینند؛ ولی انتظار دارند؛ از آموزش‌های خود نتیجه بگیرند. افراد زندگی نمی‌کنند که آموزش ببینند یا کار بکنند. بلکه آموزش می‌بینند که زندگی بکنند؛ بنابراین آموزش و کار باید بخش لذت بخشی از زندگی باشد. وقتی آموزش‌دیدن و کارکردن به هدف تبدیل می‌شود؛ زندگی را به خدمت می‌گیرد و فرصتی برای زندگی کردن باقی نمی‌گذارد. آموزش و کار باید در خدمت زندگی بهتر باشد. در این صورت آموزش و کار بخشی از جریان طبیعی زندگی می‌شود. برای دستیابی به این نوع زندگی لازم است؛ آموزش‌های شما موردعلاقه شما باشد. در این صورت آموزش بخشی از جریان طبیعی زندگی شما می‌شود و زمانی که از علاقه خود پول درمی‌آورید؛ کارتان به بخشی از جریان طبیعی زندگی تبدیل می‌شود. یعنی آموزش، کار و زندگی یکی می‌شود. با ایجاد این شرایط، پارادوکس فوق از بین می‌رود و رغبت تحصیلی نیز افزایش می‌یابد. خوشبختانه امکان ایجاد این شرایط در وضعیت فعلی نیز با بهره‌مندی از چکاپ موفقیت به همراه نسخه موفقیت برای همه مقدور است؛ بنابراین چکاپ موفقیت و نسخه موفقیت یک پیشنهاد نیست؛ بلکه مکمل آموزش‌های مدارس و دانشگاه‌ها برای اشتغال و درآمدزایی از علاقه و مهم‌تر از آن ادامه تحصیل در زمینه موردعلاقه است.

عبدالقیوم قلی‌پوری

فهرست

۱۹.....	مقدمه
۲۲.....	چکاپ موفقیت
۲۳.....	چکاپ موفقیت ناشتا
۲۴.....	چکاپ اول موفقیت
۳۶.....	چکاپ دوم موفقیت
۴۰.....	چکاپ سوم موفقیت
۴۱.....	زنده‌مانی و زندگی
۴۳.....	ابعاد زندگی ثروتمندانه
۴۴.....	سلامتی
۴۴.....	موفقیت
۴۵.....	خوشبختی
۴۶.....	سعادت‌مندی
۴۷.....	ضرورت چکاپ موفقیت
۴۸.....	چرخه موفقیت
۴۹.....	اولین موفقیت

- ۵۰..... انواع شغل
- ۵۱..... شغل‌های الگوریتمی
- ۵۲..... شغل‌های اکتشافی
- ۵۳..... شرایط شغل اکتشافی
- ۵۷..... سرمایه‌های زندگی‌ساز
- ۵۸..... سهم شما از اندیشه بی‌نهایت
- ۵۸..... سهم شما از نیروهای درونی
- ۵۹..... سهم شما از زمان
- ۶۱..... پاسخ‌نامه چکاپ اول موفقیت
- ۶۴..... پاسخ‌نامه چکاپ دوم موفقیت
- ۶۵..... پاسخ‌نامه چکاپ سوم موفقیت
- ۶۷..... متولی موفقیت
- ۶۹..... فرمول موفقیت
- ۷۲..... مقیاس‌بندی موفقیت
- ۷۳..... تأییدیه فرمول موفقیت
- ۷۵..... علم بهتر است یا ثروت
- ۷۶..... گروه‌بندی افراد با فرمول موفقیت
- ۷۸..... جواب چکاپ موفقیت
- ۷۹..... فاصله شما با موفقیت
- ۸۰..... رمز موفقیت

- ۸۰..... کلید استفاده از اندیشه
- ۸۲..... کلید استفاده از نیروهای درونی
- ۸۴..... کلید استفاده از زمان
- ۸۵..... موفقیت، هسته شغل اکتشافی
- ۸۶..... طراحی هسته شغل اکتشافی
- ۸۷..... بازی موفقیت
- ۹۱..... مدل موفقیت
- ۹۴..... معیار موفقیت
- ۹۵..... ویژگی‌های منحصر به فرد کسب و کار مورد علاقه
- ۹۶..... تفسیر جواب چکاپ موفقیت
- ۹۶..... تفسیر جواب چکاپ اول موفقیت
- ۹۷..... نقش باور
- ۹۹..... تفاوت باور با ایمان
- ۱۰۱..... تفسیر جواب چکاپ دوم موفقیت
- ۱۰۳..... تفسیر جواب چکاپ سوم موفقیت
- ۱۰۳..... جمع بندی تفسیر جواب چکاپ سه گانه موفقیت
- ۱۰۵..... نسخه موفقیت
- ۱۰۶..... تجویز نسخه موفقیت
- ۱۰۸..... نحوه دریافت نسخه موفقیت
- ۱۰۸..... بسته های نسخه موفقیت

- پشتیبانی از نسخه موفقیت ۱۰۹
- پاسخ به سوالات متداول و پر تکرار ۱۱۰
- جواب بده، جایزه بگیر ۱۱۴

مقدمه

هر نوع اسلحه‌ای در هر کارخانه‌ای و در هر کجای دنیا باشد؛ فقط به یک منظور ساخته و تولید می‌شود و آن هم به هدف زدن است. با وجودی که تمامی اسلحه‌ها بادقت بسیار بالا تولید می‌شوند. هر اسلحه‌ای باید توسط تیرانداز قبل از شلیک به اهداف واقعی باید قلق‌گیری شود. قلق‌گیری مشخص می‌کند؛ تیرانداز چقدر از هدف فاصله دارد. قلق‌گیری یک فرایند کاملاً تجربی است. برای اینکه شما یک تیرانداز حرفه‌ای بشوید لازم نیست نژاد، ملیت، مذهب و مدرک خاصی داشته باشید؛ کافی است؛ زیر نظر یک مربی حرفه‌ای آموزش ببینید و این آموزش بیش از آنکه تئوری باشد عملی خواهد بود. شما تیراندازی را با شلیک به اهداف نزدیک شروع و سپس به تدریج فاصله اهداف را بیشتر می‌کنید.

همین‌طور همه افراد در هر کجای دنیا، در هر قاره‌ای و در هر کشوری و در هر قبیله‌ای که متولد شوند؛ اهداف مشترکی دارند. همه آنها می‌خواهند زندگی شادی داشته باشند. شادی اساس و جوهره همه چیز است. زندگی شاد دارای چهار بعد است. این ابعاد شامل سلامتی، موفقیت، خوشبختی و سعادت‌مندی هستند. موفقیت مهم‌ترین بعد زندگی است. بدون موفقیت خوشبختی امکان ندارد. چون خوشبختی پاداش موفقیت است. همان‌طور که اسلحه برای زدن به هدف طراحی شده است و قلق‌گیری میزان فاصله تیرهای شلیک شده را باهدف نشان می‌دهد.

همین‌طور انسان نیز برای موفقیت طراحی شده است و چکاپ موفقیت فاصله افراد را با موفقیت نشان می‌دهد. چکاپ موفقیت مانند قلق‌گیری کاملاً یک امر تجربی است. تجربه انسان‌های موفق است؛ با وجود این، چکاپ موفقیت دارای بنیان‌های علمی قوی است که در نسخه موفقیت به طور کامل بحث شده است. یک تیرانداز حرفه‌ای، برای هر تیری که به هدف می‌زند؛ ممکن است توضیح علمی دقیقی نداشته باشد و نتواند آن را فرموله کند. ولی برای دستیابی به هدف توسط افراد موفق نه‌تنها توضیح علمی دقیقی وجود دارد؛ بلکه با فرمول ریاضی نیز قابل‌بیان و اثبات است. در حال حاضر دستیابی به موفقیت مهم‌تر از بیان بنیان‌های علمی آن است. چون بدون موفقیت یعنی دستیابی به پول و اهداف مالی، زندگی شاد امکان ندارد. این کتاب بیانی بسیار ساده و شفاف از مفاهیم پرکاربرد زندگی است که تا به امروز گنگ و پیچیده تعریف شده است و دستیابی به آن را برای همه غیرممکن ساخته است. برخی از این مفاهیم شامل خود‌زندگی، سعادتمندی، خوشبختی، موفقیت، هدف، آرمان، اراده، ایمان و باور است. همچنین نگاهی نو و ارائه تعریفی جدید و کاربردی از مفهوم شغل و رابطه آن با زندگی است. البته ارزش واقعی این کتاب تنها در بیان ساده و شفاف این مفاهیم نیست؛ بلکه ارزش و قدرت واقعی این کتاب در نحوه آموزش دستیابی به موفقیت و راه‌اندازی شغل موردعلاقه و زندگی موردعلاقه است که تا به امروز به‌صورت یک رؤیای دست‌نیافتنی تصور می‌شود. لازم است؛ برای دستیابی به موفقیت و شغل موردعلاقه

خود هر چیزی را که از موفقیت و شغل می‌دانید؛ از ذهن خود بیرون کنید تا مانع دستیابی شما به آنها نشود. اگر موفقیت و شغل موردعلاقه برای شما مهم است که قطعاً مهم است؛ برای دستیابی به آنها لازم نیست سرمایه اولیه زیادی داشته باشید یا نژاد خاصی یا ملیت خاصی یا مدرک خاصی داشته باشید. کافی است؛ همانند یک تیرانداز حرفه‌ای که کار خود را با شلیک به اهداف نزدیک آغاز کرده است؛ موفقیت را با دستیابی به اهداف مالی کوچک مطابق با نسخه موفقیت شروع کنید و به تدریج رشد و تکامل خود را طی کرده، اهداف مالی خود را گسترش دهید. جان کلام این است با چکاپ موفقیت شما یاد می‌گیرید؛ چه قدر با موفقیت فاصله دارید و با نسخه موفقیت یاد می‌گیرید؛ چگونه این فاصله را طی بکنید.

چکاپ موفقیت

اغلب ما با مفهوم چکاپ، به‌ویژه در حوزه سلامت آشنا هستیم. چکاپ سلامت شامل انجام مجموعه‌ای از آزمایش‌ها است که مشخص می‌کند؛ سلامت فرد از جنبه‌های مختلف در چه وضعیتی قرار دارد. هدف از این چکاپ، شناسایی زودهنگام عوامل بیماری، جلوگیری از ابتلا به بیماری‌ها در آینده و کاهش عوارض برخی دیگر از بیماری‌ها است. چکاپ موفقیت نیز نوعی ارزیابی از وضعیت و جایگاه فعلی فرد است و کارکردی شبیه چکاپ سلامت دارد با این تفاوت که وضعیت فرد را روی «محور موفقیت» از نظر رویکرد نشان می‌دهد. هدف از این چکاپ، شناسایی زودهنگام عواملی است که منجر به فقر و بیکاری می‌شود و با شناسایی آنها امکان پیشگیری از فقر و بیکاری فراهم می‌شود.

بیکاری و فقر حادثه‌ای ناگهانی در زندگی افراد نیست. هیچ‌کس یک‌شبه بیکار یا فقیر نمی‌شود. بیکاری و فقر نتیجه اقدامات و رویکردهای امروز در آینده است و بنابراین قابل‌پیشگیری و اجتناب است. چکاپ موفقیت به افراد کمک می‌کند تا عوامل ریسک مرتبط با فقر و بیکاری را در زندگی شناسایی بکنند و راهکارهای پیشگیری از ابتلا به فقر و بیکاری را به کار گیرند. این ارزیابی هر قدر زودتر انجام شود؛ احتمال ابتلای فرد به فقر و بیکاری به همان میزان کاهش می‌یابد.

چکاپ موفقیت، پیش‌نیاز موفقیت است؛ زیرا جایگاه کنونی فرد را در روی محور موفقیت نشان می‌دهد. مشخص کردن زود هنگام جایگاه افراد روی محور موفقیت به این معنی است که شانس آنها را برای موفقیت (دستیابی به اهداف مالی) افزایش می‌دهد و جلوی اقدام برای شکست (فقر و بیکاری) در آینده را می‌گیرد.

چکاپ موفقیت ناشتا

پزشک بعضی از انواع آزمایش خون را ملزم به ناشتا بودن می‌کند، زیرا نتایج به‌راحتی می‌تواند تحت‌تأثیر غذاهایی که فرد می‌خورد قرار گیرد. میزان ریز مغذی‌ها، کربوهیدرات‌ها، پروتئین‌ها و چربی‌های موجود در غذا می‌تواند نتایج برخی از آزمایش‌ها را تغییر دهد و روند تشخیص و درمان را با اختلال مواجه کند. در چکاپ موفقیت نیز کسب هر گونه اطلاع از نوع تست منجر به سوگیری و انحراف در نتایج می‌شود. به همین خاطر از شما می‌خواهم بدون مراجعه به توضیحات تست‌ها و بدون مراجعه به پاسخ‌نامه‌ها، تست‌های سه‌گانه موفقیت زیر را تکمیل کنید.

چکاپ اول موفقیت

چکاپ اول موفقیت شامل ۵۰ سؤال تستی و هر سؤال شامل ۵ گزینه است. گزینه‌های هر سؤال نه درست هستند و نه غلط، بنابراین اولین گزینه‌ای که به نظر شما صحیح است؛ بدون اتلاف وقت و درنگ کردن انتخاب کنید. پاسخ‌های شما به این سؤال‌ها به همراه دو تست دیگر، جایگاه فعلی شما را روی محور موفقیت را تعیین می‌کند.

۱- سن افراد تأثیر زیادی در موفقیت دارد.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تا حدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
د. تا حدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲- برای رسیدن به موفقیت و ثروت تحصیلات دانشگاهی ضروری است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تا حدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
د. تا حدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳- برای شروع کسب‌وکار به سرمایه اولیه‌ی زیادی نیاز است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تا حدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
د. تا حدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴- اعتقاد دارم بیشتر ثروتمندان از طریق ارث ثروتمند شده‌اند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۵- اعتقاد دارم اگر پدر و مادرم به من کمک مالی بکنند در کارم موفق خواهم شد.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۶- از راه درست ثروتمند شدن در ایران غیرممکن است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۷- اعتقاد دارم هرچه جلوتر می‌رویم ثروتمند شدن نسبت به گذشته مشکل‌تر می‌شود.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۸- دلیل ثروتمند شدن بیشتر افراد خوش‌شانسی آنهاست.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۹- برای ثروتمند شدن حتماً نیاز به پارتی و رانت هست.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۰- مقدار پول در دنیا محدود است و به همه به اندازه‌ی کافی نمی‌رسد.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۱- به‌دست آوردن پول آسان نیست.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۲- هر روز فرصت‌های بیشتری برای ثروتمند شدن من وجود دارد.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۳- اگر در معامله‌ی پول خود را از دست بدهم دیگر سراغ معامله‌ی دیگر نخواهم رفت.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۴- با ثروتمند شدن هر کسی احتمال ثروتمند شدن کسی دیگر کمتر می‌شود.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۵- پول به‌سختی به دست می‌آید و به‌راحتی خرج می‌شود.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۶- ثروتمند شدن در آمریکا و کشورهای پیشرفته آسان‌تر از ایران است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۷- در گذشته موقعیت‌ها برای ثروتمند شدن بیشتر از امروز بود.

۱۸- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۱۹- دلیل فقر بیشتر افراد بدشانسی است و به همین دلیل فرصت‌های مناسبی را برای کسب ثروت از دست داده‌اند.

۲۰- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲۱- کسی که در خانواده‌ی فقیر به دنیا آمده است، بسیار سخت‌تر از دیگران ثروتمند خواهد شد.

۲۲- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲۳- به دست آوردن پول آسان است.

الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲۴- هر روز فرصت‌های بیشتری برای ثروتمند شدن من ایجاد می‌شود.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲۵- اگر در یک بحران مالی یا سرمایه‌گذاری به اشتباه پولم را از دست بدهم خیلی سخت می‌توانم دوباره آن را به دست بیاورم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲۶- انسان عاقل برای روز مبادا پول کنار می‌گذارد، چون هر لحظه ممکن است که مشکل غیرمنتظره‌ی پیش بیاید.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲۷- مردها شانس بیشتری برای ثروتمند شدن نسبت به زن‌ها دارند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲۸- افرادی که دارای استعدادهای فوق‌العاده هستند راحت‌تر ثروتمند می‌شوند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تا حدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تا حدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۲۹- خیلی از مواقع وقتی می‌خواهم کاری را شروع کنم می‌ترسم از این که موفق نشوم یا سرمایه‌ام را از دست بدهم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تا حدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تا حدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۰- بارها شده است که هدفی را انتخاب کرده؛ اما آن را تا پایان ادامه نداده‌ام.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تا حدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تا حدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۱- هر وقت پولی را خرج می‌کنم احساس بدی پیدا می‌کنم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تا حدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تا حدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۲- کارمند خوب، خلاق، و باوجدان کم‌پیدا می‌شود.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۳- اگر چیزی بخرم یا سرمایه‌گذاری کنم معمولاً متضرر می‌شوم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۴- من لایق کسب ثروت زیاد نیستم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۵- چون تخصص خاصی ندارم پس نمی‌توانم درآمد زیادی داشته باشم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۶- ایده‌های ثروت ساز فقط به ذهن افراد خلاق می‌رسد و متأسفانه من خلاق نیستم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۷- من نمی‌توانم با آدم‌های ثروتمند معاشرت کنم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۸- از این که از خودم تعریف کنم خجالت می‌کشم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۳۹- از صحبت کردن در جمع می‌ترسم و خجالت می‌کشم.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۰- من آدم خوش‌شانسی نیستم و به همین خاطر موقعیت‌های ثروت ساز برای من به وجود نیامده است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۱- افراد ثروتمند به هر دلیلی آدم‌های خوبی نیستند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۲- همه افراد ثروتمند مغرور هستند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۳- همه ثروتمندان کلاهبردار هستند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۴- ثروتمندان برای رسیدن به پول بیشتر هرکاری می‌کنند حتی ظلم به دیگران.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۵- من وقتی یک ماشین یا خانه لوکس می‌بینم فکر می‌کنم که صاحب آن از راه نادرست به آنها رسیده است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۶- پول چیز بی‌ارزشی است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۷- علم بهتر از ثروت است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۸- ایمان به خدا در افراد ثروتمند ضعیف و در افراد فقیر قوی است.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۴۹- اگر افراد ثروتمند بخشی از پولشان را به افراد فقیر بدهند مشکلات آنها حل می‌شود.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۵۰- ایده‌هایی که به ذهنم می‌رسند قابل تحقق نیستند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۵۱- افراد ثروتمند با دزدی به ثروت رسیده‌اند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۵۲- افراد باوجدان کمتر ثروتمند می‌شوند.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

۵۳- فقط با کار فیزیکی و عرق جبین می‌توان پول زیاد درآورد.

- الف. کاملاً مخالفم ب. تاحدی مخالفم ج. نه مخالفم و نه موافقم
 د. تاحدی موافقم ه. کاملاً موافقم

چکاپ دوم موفقیت

چکاپ دوم موفقیت شامل ۲۰ سؤال تستی با ۵ گزینه است. توجه داشته باشید جواب صحیح یا غلط وجود ندارد و لازم نیست در مورد هر سؤال زیاد فکر کنید. سریع علامت بزنید و سراغ جمله بعد بروید.

۱- روزانه چقدر به هدفتان فکر می‌کنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۲- اگر به‌اندازه کافی پول به دست بیاورید؛ چقدر احتمال دارد از هدفتان منصرف شوید؟

الف. هرگز ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۳- هر روز چه‌قدر در راستای هدفتان مطالعه می‌کنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۴- اگر برای رسیدن به هدفتان لازم باشد محل زندگی‌تان را عوض کنید، چقدر احتمال دارد این کار بکنید؟

الف. هرگز ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۵- اگر بدانید دوستان شما باعث تلف شدن وقت شما می‌شوند، چقدر احتمال دارد به خاطر هدفشان آنها را کنار بگذارید؟

الف. صددرصد ب. زیاد ج. متوسط د. کم ه. خیلی کم

۶- اگر لازم باشد به خاطر هدفت هر روز ساعت ۵ صبح بیدار شوید، چقدر احتمال دارد این کار را بکنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۷- اگر لازم باشد برای رسیدن به هدفشان در کنار فردی باتجربه شاگردی کنید، چقدر احتمال دارد این کار بکنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۸- اگر به شما فشار بیاورند که از هدفشان منصرف بشوید و اذیت بکنند، چقدر احتمال دارد از هدفشان منصرف بشوید؟

الف. هرگز ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۹- چقدر حاضرید برای رسیدن به هدفشان تلویزیون تماشا نکنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۱۰- آیا حاضرید برای رسیدن به هدفتان از کلیه شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام و غیره بیرون بیایید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۱۱- آیا حاضرید برای رسیدن به هدفتان کارگری کنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۱۲- آیا حاضرید برای رسیدن به هدفتان پیاده رفت‌وآمد بکنید و پول آن را صرف هدفتان بکنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۱۳- آیا حاضرید به‌خاطر هدفتان کمتر بخورید و پول آن را صرف هدفتان بکنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۱۴- آیا حاضرید به‌خاطر هدفتان یک مدت طولانی از چشم‌ها دور باشید و روی هدفتان کار بکنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۱۵- آیا حاضرید به دوستان خود قول بدهید که حتماً به هدفتان می‌رسید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۱۶- اگر در مسیر هدف‌تان ورشکست بشوید حاضرید دوباره هدف‌تان را پیگیری کنید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. صددرصد

۱۷- اگر به شما کار خوبی پیشنهاد شود حاضرید از هدف‌تان منصرف بشوید؟

الف. هرگز ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۱۸- آیا برای شما پیش‌آمده است خواب اهداف‌تان را ببینید؟

الف. هرگز ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۱۹- آیا حاضرید به خاطر هدف‌تان در یک رستوران در معرض دید دوستان خود کار کنید؟

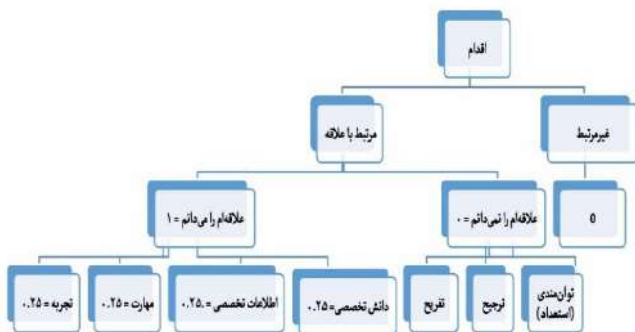
الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

۲۰- آیا حاضرید برای رسیدن به هدف‌تان مدتی را شاگردی کنید و کار یاد بگیرید؟

الف. خیلی کم ب. کم ج. متوسط د. زیاد ه. خیلی زیاد

چکاپ سوم موفقیت

چکاپ سوم موفقیت بسیار ساده است. حقایق کلاً ساده هستند؛ ولی تا زمانی که شما آنها را ندانید برای شما یک راز باقی می‌ماند.



با توجه به شکل فوق اگر نمی‌دانید به چه کاری علاقه دارید؛ نمره‌ی چکاپ سوم شما عدد صفر است. اگر می‌دانید به چه کاری علاقه دارید به شرح زیر نمره‌ی چکاپ سوم خود را محاسبه کنید.

اگر دانش تخصصی در مورد کار مورد علاقه‌تان دارید $۰/۲۵$ و در غیر این صورت صفر در نظر بگیرید.

اگر اطلاعات تخصصی در مورد کار مورد علاقه‌تان دارید ۰/۲۵ و در غیر این صورت صفر در نظر بگیرید.

اگر در کار مورد علاقه‌تان مهارت دارید ۰/۲۵ و در غیر این صورت صفر در نظر بگیرید.

اگر در مورد کار مورد علاقه‌تان تجربه دارید ۰/۲۵ و در غیر این صورت صفر در نظر بگیرید.

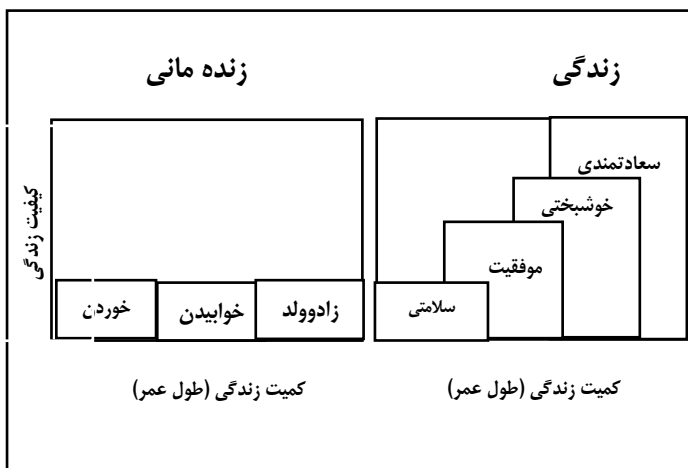
حالا جمع این چهار عدد، نمره‌ی چکاپ سوم شما را تشکیل می‌دهد. این عدد را جایی یادداشت کنید.

برای تحلیل و تفسیر نتایج تست‌های سه‌گانه‌ی فوق لازم است با مفاهیم زیر آشنا شویم:

زنده‌مانی و زندگی

زنده‌مانی و زندگی دو مفهوم کاملاً متفاوت است و چکاپ موفقیت نشان می‌دهد؛ شما در آینده نزدیک کدام نوع را انتخاب می‌کنید. زنده‌مانی در حقیقت تکرار بُعد حیوانی زندگی و شامل خوردن، خوابیدن و زاد و ولد تا پایان عمر است. زنده‌مانی ضروری است؛ ولی هدف از خلقت انسان نیست. انسان، شایسته زندگی کردن است و هر آنچه را برای زندگی کردن لازم است؛ خالق هستی در وجود همه‌ی انسان‌ها به طور

یکسان قرار داده است. زندگی بر خلاف زنده‌مانی دارای چهار بعد اساسی است که هر بعد آن را ثروت می‌نامند و ثروتمند واقعی کسی است که این چهار بعد را با هم داشته باشد. چهار بعد زندگی شامل سلامتی، موفقیت، خوشبختی و سعادتمندی است. شکل‌های زیر زنده‌مانی و زندگی را نشان می‌دهد. زندگی ثروتمندانه ارمان موفقیت است.



ابعاد زندگی ثروتمندانه

زندگی زیباترین پدیده‌ای است که خالق هستی به انسان عطا کرده و از این رو فوق‌العاده لذت‌بخش است. هدف از زندگی، زنده‌مانی نیست. هدف از زندگی، زندگی کردن است. وقتی بدانید زندگی کردن چه شکلی است. این سؤال که «هدف از زندگی چیست؟» رنگ می‌بازد. مهم‌تر از آن، متوجه می‌شوید آنچه که به‌عنوان شغل قسمت اعظم زندگی را به خود اختصاص داده و بسیاری از افراد زندگی می‌کنند تا کار بکنند کاملاً اشتباه است. شما با درک ابعاد زندگی، دیگر هرگز زندگی خود را به دو بخش مجزای زمانی یعنی زمانی برای کار و زمانی برای زندگی کردن تقسیم نخواهید کرد. وقتی شما زندگی خود را به دو بخش کار و زندگی تقسیم می‌کنید و بیشترین زمان را به کار کردن اختصاص می‌دهید. زندگی لذت خود را از دست می‌دهد و وقتی زندگی لذت خود را از دست می‌دهد این سؤال که «هدف از زندگی چیست؟» هویدا می‌شود. چون این سؤال جواب ندارد انسان ناگزیر برای آن جوابی گمراه‌کننده می‌تراشد و این جواب‌های گمراه‌کننده انسان را به بیراهه می‌برد. وقتی شما درست زندگی کردن را یاد می‌گیرید؛ دیگر احساس نمی‌کنید که کار می‌کنید و آن وقت است که زندگی فوق‌العاده لذت‌بخش می‌شود. برای درست زندگی کردن باید ابعاد زندگی را به‌درستی بشناسیم.

سلامتی

سلامتی اولین بُد زندگی است. سلامتی ثروتی است که قابل ارزش‌گذاری نیست و افراد ارزش واقعی سلامتی را فقط زمانی متوجه می‌شوند که آن را ازدست‌داده باشند. انسان‌ها برای دستیابی به سلامتی نیاز به روتین یعنی «روال روزانه» دارند.

روال‌ها: فعالیت‌های منظمی است که هر روز تکرار می‌شود از جمله تغذیه‌ی سالم، رعایت بهداشت، خواب به‌موقع، ورزش، مطالعه و غیره که سلامتی را تضمین می‌کنند. سلامتی لازمه‌ی موفقیت است.

موفقیت

موفقیت دومین بُد زندگی است. موفقیت یعنی دستیابی به اهداف، به همین دلیل لازمه‌ی موفقیت، داشتن هدف است.

هدف: نقطه‌ای است که همه‌ی تلاش‌های شما برای دستیابی به آن متمرکز می‌شود. به‌طور کلی اهداف دو نوع هستند. نوع اول اهدافی هستند که شما را رشد می‌دهند و نوع دوم اهدافی هستند که شما آن را رشد می‌دهید. اهداف نوع دوم اهداف مالی هستند. در این بخش منظور ما از هدف، اهداف مالی و پولی هستند. همان اهدافی که در نزد عموم مردم به ثروت معروف است. مانند خانه، ویلا، آپارتمان، خودرو، مزرعه، کارخانه،

فروشگاه و خود پول و غیره. موفقیت لازمه‌ی خوشبختی است. بدون موفقیت خوشبختی امکان ندارد.

خوشبختی

سومین بُعد زندگی خوشبختی است. خوشبختی بُعد فوق‌العاده لذت‌بخش زندگی است. این بُعد از زندگی را کسانی که موفقیت را به آغوش نکشیده‌اند تجربه نمی‌کنند؛ زیرا لازمه‌ی درک خوشبختی موفقیت است. انسان برای خوشبختی نیاز به آرمان دارد.

آرمان: کاری است که می‌خواهید با رسیدن به اهدافتان انجام بدهید. مثلاً اگر هدفتان دستیابی به یک خودرو شاسی‌بلند باشد در این صورت آرمان شما می‌تواند گردش به دور دنیا به همراه خانواده با این خودرو باشد. خوشبختی در حقیقت تقسیم شادی دستاوردهای مالی با دیگران است. اگر کاری که با رسیدن به اهدافتان می‌خواهید انجام دهید، خدمت به مردم یا رساندن خیر اجتماعی باشد به آن هدف متعالی می‌گویند. مثلاً اگر آرمان شما نقل و انتقال کودکان، دانش‌آموزان، یا معلولان با این خودرو باشد به این آرمان هدف متعالی می‌گویند. پس لازمه‌ی هدف متعالی، دستیابی به هدف است. خوشبختی واقعی نمایش انسانیت است و لازمه‌ی این کار موفقیت است؛ بنابراین آرمان بدون هدف و خوشبختی بدون موفقیت معنی ندارد.

سعادت‌مندی

سعادت‌مندی یا عاقبت‌به‌خیری بُعد چهارم زندگی است. شما برای سعادت‌مندی نیاز به نیت درست دارید.

نیت: اتفاقی است که انتظار دارید پس از دستیابی به اهدافتان بیفتد. عامل این اتفاق شما هستید. نیت جزو اسرار است و هیچ‌کس غیر از شما از آن اطلاع ندارد. مثلاً اگر شما با دستیابی به یک خودرو شاسی‌بلند گران‌قیمت انتظار دارید اطرافیان‌تان به شما احترام بگذارند یا باعث خوشحالی پدر و مادرتان بشوید؛ این‌ها همگی نیت‌های شما هستند. نیت‌ها، می‌تواند درست یا نادرست باشد. مثلاً وقتی شما نماز می‌خوانید تا به بهشت بروید این یک نیت درست است؛ ولی وقتی نماز می‌خوانید که به شما پست و مقامی داده شود. این یک نیت نادرست است. خداوند، همیشه با نیت شما کار دارد.

وقتی شما ابعاد زندگی را می‌شناسید؛ در حقیقت اهداف زندگی را می‌شناسید و متوجه می‌شوید که ابعاد زندگی همان اهداف زندگی هستند و اینجاست که شما معنی این جمله که "هدف از زندگی، زندگی کردن است" را بهتر درک می‌کنید.

ضرورت چکاپ موفقیت

سلامتی امری طبیعی تلقی می‌شود و به‌عنوان مهم‌ترین بعد زندگی پذیرفته شده است. به همین خاطر زمانی که سلامتی خود را به هر دلیلی از دست می‌دهید؛ زندگی شما مختل می‌شود و شما بلافاصله به فکر چاره‌جویی می‌افتید و به پزشک مراجعه می‌کنید و اگر از پزشکی جواب نگیرید به پزشک دیگر مراجعه می‌کنید و پزشک برای کشف علت بیماری آزمایش‌های مختلفی را تجویز می‌کند. همین‌طور موفقیت نیز یک بعد مهمی از زندگی است و بدون موفقیت خوشبختی امکان ندارد. ولی متأسفانه فقر و بیکاری که نتیجه عدم موفقیت است و باید مثل مریضی و ناخوشی یک امر غیرطبیعی تلقی شود؛ بیشتر یک امر طبیعی تلقی شده است و به‌اندازه‌ای که برای سلامتی خود حساس هستیم و هزینه می‌کنیم برای موفقیت خود حساسیت به خرج نمی‌دهیم و عموماً بی‌تفاوت هستیم. اگر شما به‌صورت طبیعی موفق نمی‌شوید باید چاره‌جویی کنید و علت عدم موفقیت خود را کشف کنید. چکاپ موفقیت دقیقاً همین کار را می‌کند؛ بنابراین چکاپ موفقیت به‌اندازه چکاپ سلامتی مهم و ضروری است.

چرخه موفقیت

ذهن منطقی ما هرگز قبول نمی‌کند که بتوانیم بدون یادگیری خواندن و نوشتن یک کتاب پر فروش بنویسیم. ذهن منطقی ما هرگز قبول نمی‌کند که یک نفر بتواند بدون یادگیری شنا در مسابقات شنا برنده شود. ذهن منطقی ما نمی‌تواند قبول کند که یک نفر بدون یادگیری اعداد در المپیاد ریاضی مقامی کسب کند.

ما خواندن و نوشتن را با یادگیری حروف الفبا شروع کردیم که هسته اصلی نوشتن یک کتاب است. ما شنا را با دست‌وپا زدن در داخل آب یاد گرفتیم که هسته اصلی شناست. ما ریاضی را با یادگیری اعداد شروع کردیم که هسته اصلی ریاضیات است. موفقیت نیز هسته اصلی شغل است. موفقیت یعنی دستیابی به اهداف مالی است. تکرار دستیابی به اهداف مالی شغل نام دارد؛ بنابراین شغل چرخه دایمی موفقیت است. با تکرار پول در آوردن ما صاحب شغل می‌شویم. صاحب شغل شدن نیز مانند نوشتن یک کتاب پرفروش، مانند شرکت در یک مسابقه شنا یا شرکت در المپیاد ریاضی نیاز به تکامل دارد. اگر این تکامل طی نشود؛ مانند این است که از فردی که هنوز خواندن و نوشتن بلد نیست بخواهیم که یک کتاب بنویسد یا از فردی که تا به حال وارد آب نشده است؛ بخواهیم در یک مسابقه شنا شرکت کند و مقامی نیز کسب کند.

همین‌طور وقتی از فردی که الفبای موفقیت یا هسته اصلی شغل را یاد نگرفته است؛ بخواهیم که برای خودش شغلی را دست‌وپا کند؛ ذهن منطقی نمی‌تواند آن را قبول کند.

اولین موفقیت

ذهن منطقی من و شما و هر کس دیگری می‌تواند قبول کند که بتوانیم فقط و فقط برای یکبار هم شده پول در بیاوریم. همین‌طور ذهن ما می‌تواند بپذیرد که اگر کاری را بتوانیم یکبار به‌درستی انجام بدهیم؛ می‌توانیم آن کار را دوباره انجام بدهیم. همین‌طور ذهن ما می‌تواند قبول کند که آن کار را برای سومین بار انجام بدهیم. اگر بتوانیم کاری را سه بار متوالی انجام بدهیم؛ می‌توانیم بارها و بارها آن را تکرار کنیم. تکرار پول درآوردن یا تکرار موفقیت یعنی تکمیل چرخه موفقیت و چرخه موفقیت یعنی صاحب شغل شدن است. موفقیت، موفقیت می‌آورد؛ بنابراین اولین موفقیت یا اولین پولی که به دست می‌آوریم خیلی مهم است؛ چون قرار است بارها و بارها آن را تکرار کنیم. اگر این تکرار موفقیت یا پول درآوردن لذت‌بخش نباشد؛ قسمتی از زندگی یعنی بعد موفقیت آن لذت‌بخش نخواهد بود. اگر بعد موفقیت زندگی لذت‌بخش نباشد، بعد سلامتی زندگی نیز به خطر می‌افتد. همچنین بعد خوشبختی نیز تحت‌تأثیر مستقیم بعد موفقیت زندگی قرار می‌گیرد. پس لازم است اولین موفقیت یا اولین سنگ بنای شغلمان را جوری بچینیم که بتوانیم زندگی

خود را روی آن بنا کنیم؛ بنابراین شغل ما می‌تواند زندگی ما را بسازد یا قسمت اعظمی از زندگی ما را جدا کند و ملال‌آور شود. اگر شغل ما ملال‌آور شود هرگز پیشرفت نمی‌کنیم و اگر هم پیشرفت کنیم به بهای از دست‌دادن سلامتی یا خوشبختی‌مان تمام خواهد شد. پس بیاید قبل از اینکه اولین سنگ بنای شغل خودمان را بچینیم با سیر و سرانجام انواع شغل آشنا بشویم.

انواع شغل

همه ما یکبار زندگی می‌کنیم و فقط یکبار فرصت داریم به روشی که دوست داریم و ایده‌آل ما هست زندگی کنیم. پس لازم و ضروری است هر چیزی را که زندگی ایده‌آل را تهدید یا تضمین می‌کند را بشناسیم. شغل ما سه‌چهارم زندگی ما را شامل سلامتی، موفقیت و خوشبختی ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین لازم است شغل ما قسمتی از جریان طبیعی زندگی ما باشد. قبلاً هم گفتیم هدف از زندگی، زندگی است و میزان کامیابی ما از زندگی کیفیت زندگی ما را نشان می‌دهد.

پس ضروری است با انواع شغل آشنا بشویم و با چشمان باز مسیر زندگی را انتخاب کنیم. شغل‌ها از نظر اینکه بخشی از جریان طبیعی زندگی را تهدید می‌کند یا تضمین می‌کند یا بخش اعظمی از جریان

طبیعی زندگی است یا بخش اعظمی از جریان طبیعی زندگی را به خود مشغول می‌کند به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند.

شغل‌های الگوریتمی

به‌طور کلی ما دو نوع شغل داریم. یک‌سری شغل‌ها هستند که با نیروهای بیرونی اداره می‌شوند. به این نوع شغل‌ها، شغل‌های الگوریتمی می‌گویند. در شغل‌های الگوریتمی شما مجموعه‌ای از دستورات مشخص را به ترتیب دنبال می‌کنید تا نتیجه‌ای هم که از قبل تعیین شده است بگیرید. یعنی کارهایی که باید انجام بدهید از قبل مشخص است و نتیجه‌ای هم که باید بگیرید معلوم است. این شغل‌ها از انعطاف‌پذیری کمی برخوردارند. این شغل‌ها توسط نیروهای بیرونی اداره می‌شوند یا بهتر است بگوییم کنترل می‌شوند. نیروهای بیرونی که این شغل‌ها را اداره می‌کنند شامل حقوق، پاداش‌ها و تنبیه‌ها هستند. در این نوع شغل‌ها رشد و پیشرفت شما تابع نظرات و سلیقه دیگران است و وابستگی کمی به شایستگی شما دارد؛ بنابراین بخش اعظمی از زندگی کسانی که این نوع شغل‌ها را دارند؛ تحت کنترل افراد دیگری است. یعنی روتین‌هایی که برای سلامتی خود در نظر می‌گیرید و اهداف مالی که برای موفقیت انتخاب می‌کنید و حتی سقف آرزوهایت را برای خوشبختی به‌اندازه سقف حقوقی که می‌گیرید پایین بیاورید. در حقیقت در شغل‌های الگوریتمی شما کار می‌کنید تا بتوانید دوباره کار کنید یا بهتر است بگوییم شما زندگی

می‌کنید تا کار بکنید. در شغل‌های الگوریتمی انسان‌ها شبیه ربات هستند و شارژ می‌شوند و به‌اندازه‌ای شارژ می‌شوند؛ یعنی حقوق می‌گیرند که بتوانند کار تعیین شده را انجام بدهند. در این شغل‌ها شما اجازه بهبود فرایندها را بدون اجازه کسانی که به شما حقوق می‌دهند را ندارید. پیشرفت در این شغل‌ها کاملاً به نظر دیگران وابسته است و پیشرفت‌ها قراردادی و قابل برگشت هستند.

در کل مشاغل الگوریتمی یکنواخت و فاقد جذابیت و هیجان هستند و بخش اعظمی از جریان زندگی را از حالت طبیعی خود خارج می‌کنند. به همین خاطر نیازمند کنترل و هدایت بیرونی هستند.

شغل‌های اکتشافی

اولین ویژگی و مهم‌ترین ویژگی شغل‌های اکتشافی این است که توسط قوی‌ترین نیروهای درونی آن هم بر پایه لذت پیش برده می‌شوند. در واقع شغل‌های اکتشافی شما را به هیجان می‌آورند. در شغل‌های اکتشافی هیچ الگوریتمی وجود ندارد. شما باید راه‌حل تازه‌ای را باید کشف کنید یا راه‌حل تازه‌ای باید خلق کنید و این هیجان‌انگیز است. نتیجه کشف کردن و خلق کردن نیز کامیابی است.

به کارگیری نیروهای درونی، پاداش‌های درونی را در پی دارد. در شغل‌های اکتشافی، پاداش فعالیت در درجه اول خود فعالیت است. چون خود فعالیت شما را هیجان‌زده و کامیاب می‌کند. یعنی شما از مسیر بیشتر لذت می‌برید تا مقصد. چون رسیدن به مقصد حتمی است؛ بنابراین شغل اکتشافی خود بخش اعظمی از جریان طبیعی زندگی را می‌سازد. در شغل اکتشافی میان‌بری در کار نیست. فقط مسیر درست است که طی می‌شود و این مسیر همان مسیر طبیعی زندگی است. در این مسیر رقیبی وجود ندارد؛ بنابراین لازم نیست فرد اصول اخلاقی را زیر پا بگذارد. چون هر تخلفی در این مسیر آسیب به زندگی خود است. در شغل اکتشافی شما یک کار معنی‌دار انجام می‌دهید و کار معنی‌دار به انسان احساسی را می‌دهد که با پول نمی‌توان این احساس را خرید. این احساس، احساس کامیابی است. پس شغل اکتشافی به زندگی انسان فقط کامیابی را به ارمغان نمی‌آورد؛ بلکه به آن معنی نیز می‌دهد.

شرایط شغل اکتشافی

شرط لازم برای داشتن یک شغل اکتشافی، فعال شدن نیروهای درونی انسان است. برای فعال شدن نیروهای درونی و داشتن یک شغل اکتشافی بر خلاف شغل الگوریتمی نیاز به مدرک تحصیلی خاص یا نیاز به آزمون ورودی خاص و تأیید کسی و حتی نیاز به سن و سال خاصی ندارید.

اگر در هر کاری که انجام می‌دهید؛ این سه نیاز پایه‌ای و فطری انسان در نظر گرفته شده باشد؛ نیروهای درونی انسان به تمام‌وکمال فعال می‌شود و انسان از درون رشد می‌کند و این رشد و پیشرفت بر خلاف شغل الگوریتمی برگشت‌پذیر نیست. این سه نیاز پایه‌ای شامل:

الف- آزادی عمل:

آزادی عمل مبتنی بر فطرت انسان است. یعنی انسان آزاد آفریده شده و دوست دارد آزاد باشد. اگر دست شما در این چهار کار آزاد باشد، شما آزادی عمل دارید. این چهار کار با چهار T انگلیسی مشخص می‌شود.

- ۱- Task : آزادی در آنچه که انجام می‌دهید.
- ۲- Time : آزادی در زمان آنچه که انجام می‌دهید.
- ۳- Technique : آزادی در چگونگی انجام کاری که دارید.
- ۴- Team : آزادی در انتخاب افرادی که دوست دارید با آنها کار کنید.

نتیجه آزادی عمل

اگر شما در این چهار چیز آزادی داشته باشید. شما آزادی عمل دارید و این آزادی عمل باعث فعال شدن نیروهای درونی در حد کمال می‌شود و موفقیت مالی شما از درون آغاز می‌شود.

ب- خبرگی:

خبرگی دومین نیاز فطری انسان برای رشد و موفقیت است. خبرگی یعنی میل به بهتر شدن در کاری که برای شما اهمیت دارد. اگر کاری که انجام می‌دهید باعث یادگیری می‌شود؛ پس باعث رشد شما می‌شود و شما هر روز بهتر از قبل می‌شوید. اگر مجذوب کاری که انجام می‌دهید؛ بشوید باعث شکوفایی خلاقیت شما می‌شود و شما در آن کار رشد می‌کنید و به سمت خبرگی و استاد شدن پیش می‌روید. خبرگی موفقیت را حتمی می‌کند.

خبرگی تابع سه قانون است:

۱- خبرگی حاصل عشق، علاقه و مجذوبیت در کاری است که انجام می‌دهید.

۲- خبرگی حاصل تمرین و ممارست (ذهنی و عملی) است.

۳- خبرگی یک امر ناتمام است. یعنی شما هیچوقت در هیچ کاری خبره کامل نمی‌شوید. یعنی همیشه باید رشد کنی و این رشد کردن انتهایی ندارد.

ج- هدف متعالی:

هدف متعالی می‌تواند برای هر کسی متفاوت باشد، ولی یک هدف متعالی وجود دارد که بین تمام انسان‌های موفق و ثروتمند مشترک است و آن خدمت به خلق است. داشتن هدف متعالی چرخه موفقیت را تضمین می‌کند.

سرمایه‌های زندگی ساز

شغل اکتشافی نه تنها بخش اعظمی از جریان طبیعی زندگی است؛ بلکه سازنده این زندگی نیز هست. پایه و اساس زندگی بعد موفقیت آن است. بدون موفقیت یا بدون دستیابی به اهداف مالی زندگی از حالت جریان طبیعی خود خارج می‌شود و به زنده‌مانی یا بعد حیوانی زندگی تقلیل می‌یابد. خوشبختانه قادر متعال هستی هر آنچه را که برای موفقیت و ساختن زندگی خود نیاز دارید در اختیار همه افراد به طور یکسان قرار داده است. این سرمایه‌های خدادادی به شرح زیر هستند:

۱- اندیشه بی‌نهایت

۲- نیروهای درونی (علاقه، اشتیاق، انگیزه، اراده و شهود)

۳- زمان

کمیت زندگی یا طول عمر انسان امر پوشیده‌ای است و هیچ‌کس نمی‌داند چقدر عمر می‌کند؛ ولی کیفیت زندگی یا میزان کامیابی انسان از زندگی بستگی کاملی به میزان بهره‌برداری از این سرمایه‌های خدادادی دارد و میزان بهره‌برداری شما از این سرمایه‌های خدادادی در درجه اول به میزان شناخت شما از این سرمایه خدادادی وابسته است.

سه‌م شما از اندیشه بی‌نهایت

اندیشه بی‌نهایت است؛ ولی سه‌م شما از اندیشه بی‌نهایت به اندازه باورهای شماست. باورها، هسته مرکزی اندیشه را شکل می‌دهند. هر چیزی را که در زندگی خود ندارید در حقیقت باورش را ندارید و برای اینکه چیزی را داشته باشید یا به دست بیاورید؛ ابتدا باید باورش را ایجاد کنید. انسان‌ها از نظر باور به دو گروه تقسیم می‌شوند.

الف. یک گروه از انسان‌ها با باورهایشان فکر می‌کنند.

ب. یک گروه دیگر از انسان‌ها با فکرهایشان باور می‌کنند.

سه‌م این دو گروه از انسان‌ها از اندیشه بی‌نهایت کاملاً متفاوت است و در نتیجه میزان برخورداری آنها از نعمت‌های خداوندی نیز کاملاً متفاوت و قابل‌مقایسه نیست.

سه‌م شما از نیروهای درونی

نیروهای درونی سرمایه رایگان خداوندی است که به طور یکسان در اختیار همه قرار دارد. سه‌م شما از این نیروهای درونی به میزان به‌کارگیری آنها بستگی دارد. هر قدر از این نیروها بیشتر استفاده کنید، بیشتر تقویت می‌شوند. انسان‌ها از نظر به‌کارگیری این نیروهای درونی به دو گروه تقسیم می‌شوند.

الف. افرادی که شغل‌های اکتشافی دارند از این نیروها بهره لازم را می‌برند.

ب. افرادی که شغل‌های الگوریتمی دارند؛ کمترین بهره را از این نیروها می‌برند.

میزان بهره‌برداری شما از این نیروها در درجه اول به شناخت درست این نیروها دارد. زیرا کارکرد نیروهای درونی کاملاً اختصاصی است. دوم شغل شما امکان بهره‌برداری از این نیروها را برای شما فراهم کند. این امکان در شغل‌های الگوریتمی همان‌طور که پیش‌تر بیان شد فراهم نیست.

سه‌م شما از زمان

همه انسان‌ها در یک شبانه‌روز ۲۴ ساعت زمان در اختیار دارند. سه‌م شما از ۲۴ ساعت زمان به اقدامات شما در طول یک شبانه‌روز بستگی دارد. زیرا اقدام در ظرف زمان شکل می‌گیرد. افراد از نظر استفاده از زمان به دو گروه تقسیم می‌شوند.

الف. افرادی که اقداماتشان در طول شبانه‌روز مرتبط با اهداف مالی‌شان است.

ب. افرادی که اقداماتشان در طول شبانه‌روز مرتبط با اهداف مالی‌شان نیست.

با توجه به حقایق فوق میزان موفقیت شما و در نتیجه کیفیت زندگی شما و میزان کامیابی شما از زندگی بستگی مستقیمی به میزان بهره‌برداری شما از این سرمایه‌های خدادادی دارد؛ بنابراین صرف داشتن استعداد، پشتکار و حتی مدرک تحصیلی خاص شما را شایسته زندگی خوب نمی‌کند.

حالا سؤال این است که چگونه متوجه بشوم:

- ۱- چه باورهایی دارم و در کدام گروه واقع شده‌ام؟
 - ۲- آیا نیروهای درونی من فعال است یا غیرفعال است؟
 - ۳- آیا من از زمان خود درست بهره‌برداری می‌کنم؟
 - ۴- آیا اقدام من مرتبط با اهداف است یا غیرمرتبط با اهداف است؟
- پاسخ این سؤال‌ها راز نیستند؛ ولی تا زمانی که شما آنها را ندانید برای شما یک راز باقی می‌ماند. پاسخ همه این سؤال‌ها در چکاپ موفقیت سه‌گانه که در ابتدای کتاب انجام دادید نهفته است. از شما می‌خواهم اگر هنوز چکاپ موفقیت را انجام ندادید؛ حتماً انجام بدهید. زیرا با ادامه مطالعه کتاب حقایق بیشتری را متوجه می‌شوید و احتمال انحراف و اشتباه در پاسخ به سؤالات چکاپ موفقیت بیشتر می‌شود.

پاسخنامه چکاپ اول موفقیت

چکاپ اول موفقیت در حقیقت ارزیابی باورهای شماست. اگر فکر می‌کنید که می‌توان باورها را اندازه‌گیری کرد یا فکر می‌کنید؛ نمی‌توان باورها را اندازه‌گیری کرد؛ در هر دو حالت حق با شماست. به قول آنتونی رابینز انسان، ماشین اثبات باورهایش است و کائنات شامل سیستم‌هایی است که تأیید می‌کند باورهای شما درست بوده است. شما هر باوری داشته باشید صرف‌نظر از اینکه درست باشد یا نادرست، می‌توانید دلایل زیادی برای تأیید آنها در اطراف خود پیدا کنید؛ ولی سؤال اصلی این است آیا باورهای شما به شما کمک می‌کند؛ زندگی بهتری داشته باشید یا نه؟

جدول زیر پاسخنامه چکاپ اول موفقیت یا ارزیابی باورهای شما نسبت به موضوع ثروت و کسب‌وکار است. برخی پاسخ‌ها نمره منفی و برخی از آنها نمره مثبت دارند. پاسخ‌هایی که نمره منفی دارند؛ باورهای مانع برای موفقیت هستند و پاسخ‌هایی که نمره مثبت دارند؛ باورهای عامل موفقیت هستند. جمع جبری نمره پاسخ‌ها را محاسبه کنید. جمع جبری نمره پاسخ‌ها درحقیقت نگرش شما را نسبت به پول، ثروت و کسب‌وکار نشان می‌دهد. جمع جبری باورهای یک فرد نسبت به یک موضوع ممکن است منفی یا مثبت باشد. باتوجه‌به پاسخ‌های خود به سؤالات مربوطه و با استفاده از جدول زیر جمع جبری امتیازهای خود را

محاسبه کنید. عدد به دست آمده را تقسیم بر عدد ۵۰ بکنید. عدد حاصل نگرش شما را نسبت به مقوله ثروت و کسب و کار را نشان می‌دهد. این عدد را جایی یادداشت کنید. عدد ۱۰ و ۱۰- به ترتیب نشان‌دهنده حداکثر نگرش مثبت و حداکثر نگرش منفی است و عدد صفر بی‌تفاوتی را نشان می‌دهد.

ردیف	الف	ب	ج	د	هـ	ردیف	الف	ب	ج	د	هـ
۱	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۲۶	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۲	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۲۷	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۳	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۲۸	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۴	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۲۹	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۵	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۰	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۶	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۱	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۷	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۲	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۸	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۳	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۹	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۴	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۰	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۵	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۱	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۶	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۲	-۱۰	-۵	۰	۵	۱۰	۳۷	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۳	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۸	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۴	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۳۹	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۵	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۴۰	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۶	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۴۱	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۷	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۴۲	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۸	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۴۳	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۱۹	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۴۴	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۲۰	-۱۰	-۵	۰	۵	۱۰	۴۵	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۲۱	-۱۰	-۵	۰	۵	۱۰	۴۶	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۲۲	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۴۷	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۲۳	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۴۸	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۲۴	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۴۹	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰
۲۵	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰	۵۰	۱۰	۵	۰	-۵	-۱۰

پاسخ‌نامه چکاپ دوم موفقیت

چکاپ دوم موفقیت در حقیقت میزان فعال‌بودن یا غیرفعال بودن نیروهای درونی را نشان می‌دهد. نیروهای درونی شامل علاقه، اشتیاق، انگیزه، اراده و شهود هستند. هر کدام از این نیروها در شرایط خاصی فعال می‌شوند و کاربرد زمانی و مکانی خاصی دارند. این شرایط خاص در سؤالات چکاپ دوم به نحوی گنجانده شده است.

در پاسخ‌نامه زیر امتیاز پاسخ هر سؤالی که در چکاپ دوم موفقیت داده‌اید مشخص شده است. جمع امتیازهای خود را با توجه به جدول زیر محاسبه کنید و عدد به دست آمده را تقسیم بر ۲۰ کنید. عدد حاصل بدست آمده بیانگر نمره فعال بودن نیروهای درونی شما نسبت به هدفتان است. عدد ۱ بیانگر حداقل فعال بودن نیروهای درونی و عدد ۱۰ بیانگر حداکثر فعال بودن نیروهای درونی است. اگر نمره فعال بودن نیروهای درونی شما پایین است به این معنی نیست که شما مشکلی دارید. بلکه به این معنی است که این نیروها دست نخورده هستند و با انتخاب درست هدف فعال می‌شوند. نمره چکاپ دوم موفقیت خود را جایی یادداشت کنید.

ردیف	الف	ج	د	ه
۱	۱	۵	۷/۵	۱۰
۲	۱۰	۵	۲/۵	۱
۳	۱	۵	۷/۵	۱۰
۴	۱	۵	۷/۵	۱۰
۵	۱۰	۵	۲/۵	۱
۶	۱	۵	۷/۵	۱۰
۷	۱	۵	۷/۵	۱۰
۸	۱۰	۵	۲/۵	۱
۹	۱	۵	۷/۵	۱۰
۱۰	۱	۵	۷/۵	۱۰
۱۱	۱	۵	۷/۵	۱۰
۱۲	۱	۵	۷/۵	۱۰
۱۳	۱	۵	۷/۵	۱۰
۱۴	۱	۵	۷/۵	۱۰
۱۵	۱	۵	۷/۵	۱۰
۱۶	۱	۵	۷/۵	۱۰
۱۷	۱۰	۵	۲/۵	۱
۱۸	۱۰	۵	۲/۵	۱
۱۹	۱	۵	۷/۵	۱۰
۲۰	۱	۵	۷/۵	۱۰

پاسخ‌نامه چکاپ سوم موفقیت

چکاپ سوم در حقیقت میزان بهره‌برداری شما را از سرمایه زمان نشان می‌دهد. برای سنجش آن لازم است اقدامات شما ارزیابی شود. زیرا اقدام در ظرف زمان شکل می‌گیرد و همه ما در یک شبانه‌روز ۲۴ ساعت زمان در اختیار داریم. با وجودیکه همه ما در یک شبانه‌روز ۲۴ ساعت زمان داریم؛ دستاورد مالی برخی از افراد (موفق) بسیار بیشتر از بقیه است. راز موفقیت این افراد در کمیت و کیفیت استفاده از زمان نهفته است. شما نیز در حال یادگیری این راز هستید. اولین رازی که باید بدانید این است. تا اقدام نکنید، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. فقط اقدامات شماست که نشان می‌دهد تا چه حد یک چیز (هدف) را می‌خواهید. دومین رازی که باید بدانیم این است. اغلب ما فکر می‌کنیم که موفقیت بزرگ به اقدام بزرگ نیاز دارد. در حالیکه اینطور نیست. سومین و مهمترین راز که باید بدانید این است که اقدام دو نوع است. برخی اقدامات شما را از هدف دور می‌کنند که ما این نوع اقدامات را اقدام غیر مرتبط می‌نامیم و تعداد این اقدامات بسیار زیاد است و برخی اقدامات نیز شما را به هدف نزدیک می‌کنند که ما این نوع اقدامات را اقدام مرتبط می‌نامیم. خوشبختانه تعداد این نوع اقدامات از تعداد انگشتان دو دست نیز کمتر است. میزان بهره‌برداری از زمان و دستیابی به اهداف مالی، محصول اقدامات مرتبط (کیفیت) و کوچک (کمیت) روزانه شماست. نه تحولاتی که یکباره رخ می‌دهند.

دیگران آن را یک موفقیت یک شبه خواهند نامید؛ زیرا آنها فقط رخ داد نهایی را خواهند دید و کاری به مسیر پیموده شده و زمان اختصاص داده شده ندارند.

اقدامات مرتبط با اهداف شامل چهار چیز است که هر کدام از آنها را دارید امتیاز ۰.۲۵ برای اقدام خود در نظر بگیرید در غیر اینصورت صفر در نظر بگیرید. به این ترتیب شما عدد مربوط به چکاپ سوم را نیز بدست آوردید این عدد بین صفر الی ۱ متغیر است. عدد چکاپ سوم موفقیت خود را جایی یادداشت کنید.


متولی موفقیت

زندگی درشان انسان، انسانی که اشرف مخلوقات است؛ دارای چهار بعد است. شامل سلامتی، موفقیت، خوشبختی و سعادت‌مندی که هر بعد آن ثروت نامیده می‌شود و ثروتمند واقعی کسی است که همه این ثروت‌ها را با هم داشته باشد. از این چهار بعد زندگی دو بعد آن یعنی سلامتی و سعادت‌مندی متولی دارد و دو بعد آن یعنی موفقیت و خوشبختی متولی ندارد. چرا سلامتی و سعادت‌مندی متولی دارد؛ ولی موفقیت و خوشبختی متولی ندارد. سلامتی متولی دارد و متولی آن جامعه پزشکان است. چون علوم سلامتی و پزشکی بسیار گسترده است و همه نمی‌توانند همه علوم پزشکی را یاد بگیرند و این کار ضرورتی هم ندارد. همین‌طور

سعادت‌مندی متولی دارد و متولی سعادت‌مندی بشر، پیامبران هستند. چون همه نمی‌توانند پیام وحی را دریافت کنند. ولی همه می‌توانند موفق بشوند. زیرا قادر متعال هستی هر آنچه را که برای موفقیت یک فرد لازم است به طور یکسان در اختیار همه قرار داده است. به همین خاطر موفقیت متولی ندارد و هرکسی مسئول موفقیت خودش است. خوشبختی هم در حقیقت پاداش انسان موفق است. این سرمایه‌ها شامل اندیشه بی‌نهایت، نیروهای درونی و زمان است. بر هر انسانی واجب است شکر این سرمایه‌های خدادادی را بجا آورد و بهترین شکرگزاری استفاده درست، بهینه و حداکثری از این سرمایه‌هاست؛ بنابراین انسان موفق، انسان شکرگزاری است. میزان شکرگزاری هر فرد به میزان موفقیت آن بستگی دارد. هر کسی باید شکر نعمتهایی را که خداوند به او داده است خودش بجا آورد. هیچ‌کس نمی‌تواند شکر نعمتهایی که به شما داده شده است را بجا بیاورد. حالا متوجه شدید که چرا موفقیت متولی ندارد. اگر می‌خواهید؛ شکر این سرمایه‌های خدادادی را بجا بیاورید و خوشبختی را به‌عنوان پاداش موفقیت خود به آغوش بگیرید؛ من فرمول آن را به شما می‌گویم.

فرمول موفقیت

هر فرمولی مؤلفه‌هایی دارد که از نظر ریاضی با هم ارتباط منطقی دارند و حاصل این ارتباط باعث تولید یک نتیجه منطقی نیز می‌گردد. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرمول موفقیت در حقیقت همان فاکتورهای تعیین‌کننده سهم افراد از سرمایه‌های خداوندی است که به طور یکسان در اختیار همه قرار داده شده است. این سرمایه‌ها شامل اندیشه بی‌نهایت، نیروهای درونی (علاقه، اشتیاق، انگیزه، اراده و شهود) و زمان هستند. فاکتورهای تعیین‌کننده سهم افراد از این سرمایه‌های خدادادی یکسان نیز به ترتیب به باورها، به‌کارگیری نیروهای درونی و اقدامات افراد بستگی دارد و موفقیت یا دستیابی به اهداف مالی نیز ماحصل به‌کارگیری توأمان این فاکتورهاست؛ بنابراین رابطه ریاضی این فاکتورها به شرح زیر فرمول موفقیت را تشکیل می‌دهند. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص فرمول موفقیت می‌توانند به کتاب فرمولاسیون ثروت از نگارنده این کتاب چاپ انتشارات نوروزی مراجعه کنند.



باورها * نیروهای درونی * اقدام = هدف مالی

باور: چیزی است که شما فکر می‌کنید درست است و شما همیشه مطابق چیزی که فکر می‌کنید درست است عمل می‌کنید و این کاملاً طبیعی و پذیرفتنی است. زیرا شما هیچ‌وقت برخلاف چیزی که فکر می‌کنید درست است عمل نخواهید کرد؛ بنابراین باور عامل اقدام است. حال به مثال زیر توجه کنید.

اگر فردی باورش این باشد که اوضاع اقتصادی خراب است. این فرد با این باور یا اقدامی نمی‌کند و اگر هم اقدام بکند، متضرر می‌شود. در حقیقت این فرد به خودش ثابت می‌کند که باورش درست بوده است. حال فرد دیگری را در نظر بگیرید که باورش این است که اوضاع برای فعالیت اقتصادی بسیار مناسب است. این فرد با این فکر به اقدامات درستی دست می‌زند و دستاورد مالی خوبی را رقم می‌زند.

نیروهای درونی: نیروهای درونی شامل علاقه، اشتیاق، انگیزه، اراده و شهود هستند. یک فرد با نیروهای درونی قوی اقدامات قوی و با نیروهای درونی ضعیف اقدامات ضعیفی را رقم می‌زند؛ بنابراین نیروهای درونی شدت اقدام را تعیین می‌کنند. حال به مثال زیر توجه کنید.

فردی را در نظر بگیرید جایی استخدام است و حضور فیزیکی ایشان او را مستحق دریافت حقوق می‌کند. تمام نیروهای این فرد در ضعیف‌ترین حالت فعالیت قرار دارد. این فرد نه انگیزه دارد و نه به کارش

علاقه دارد و نه به نتایج کارش اشتیاق دارد و نه اراده‌ای برای حل مسائل و مشکلاتی که در سازمان پیش می‌آید دارد. شهود این فرد دست‌نخورده باقی می‌ماند. تنها نیرویی که این فرد را به محل کارش می‌کشاند نیروی اجبار و نیاز است و علاوه بر این نیروهای دیگری مثل پاداش‌ها و مشوق‌هاست که نیروهای بیرونی محسوب می‌شوند

اقدام: اقدام سومین مؤلفه فرمول دستیابی به اهداف مالی است و مجموعه‌ای از فعالیت‌ها است که شما را از جایی که هستید به جایی که می‌خواهید باشید می‌رساند. اقدام منجر به نتیجه می‌شود، بدون اقدام هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

پس فرمول موفقیت به شرح زیر است.

عامل اقدام * شدت اقدام * اقدام = نتیجه

مقیاس بندی موفقیت

قدم بعدی بیان فرمول موفقیت با اعداد و ارقام است. با مقیاس بندی موفقیت یعنی دستیابی به اهداف مالی اهداف زیر محقق می شود.

۱- موفقیت افراد قابل پیش بینی می شود.

۲- موفقیت افراد در هر مرحله از زندگی قابل اندازه گیری می شود.

۳- موفقیت افراد قابل شبیه سازی می شود.

جمله زیر را از کتاب، چگونه هر چیزی را اندازه بگیریم؟ از داگلاس هوبارد عیناً نقل می کنم:

> > اگر در مورد چیزی که حرف می زنید، نتوانید آن را با اعداد و ارقام بیان کنید؛ چیز زیادی در مورد آن نمی دانید و اگر در مورد چیزی که حرف می زنید؛ بتوانید آن را با اعداد و ارقام نشان بدهید؛ پس شما در مورد آن چیز می دانید. <

اینجا صحبت از موفقیت است و می خواهیم آن را با اعداد و ارقام نشان بدهیم. جهت اندازه گیری موفقیت لازم است؛ ابتدا مؤلفه های آن یعنی باورها، نیروهای درونی و اقدام مقیاس بندی شوند. می دانید که باورها می تواند مثبت یا منفی باشند؛ لذا هر چیزی که مثبت یا منفی باشد؛ می تواند یک حد پایین و یک حد بالا داشته باشد. حد پایین باورهای

مثبت را با عدد صفر و حد بالای آن را با عدد ۱۰ نشان می دهیم. همچنین حد پایین باورهای منفی را با عدد صفر و حد بالای باورهای منفی را با عدد ۱۰- نشان می دهیم. همچنین شدت نیروهای درونی را نیز می توان مقیاس بندی کرد. به شدت پایین فعالیت نیروهای درونی عدد صفر و به شدت بالا عدد ۱۰ را اختصاص می دهیم. اقدام را نیز به این شرح مقیاس بندی می کنیم. اقدام اگر غیر مرتبط باشد با عدد صفر و اگر مرتبط باشد با عدد ۱ نشان می دهیم. بدین ترتیب فرمول دستیابی به اهداف مالی به شرح زیر مقیاس بندی شد.

$$\text{باورها} * \text{نیروهای درونی} * \text{اقدام} = \text{هدف مالی}$$

$$(۱۰- \text{الی } ۱۰) \quad (\text{صفر الی } ۱۰) \quad (\text{صفر الی } ۱) = ۱۰۰- \text{الی } ۱۰۰$$

تأییدیه فرمول موفقیت:

فرمول موفقیت هم از نظر کارکردی و هم از نظر ساختاری بسیار شبیه فرمول کار در فیزیک است. به فرمول کار در فیزیک و شباهت‌های مؤلفه‌های آن با فرمول دستیابی به اهداف مالی دقت کنید.

$$W = F * d * \text{COS}(\theta)$$

$$(-1 \text{ to } 1)$$

در فرمول کار W کار انجام شده بر حسب ژول است و هدف مالی معادل W بر حسب پول است. F نیروی است که به جسم وارد می‌شود و معادل نیروهای درونی در فرمول دستیابی به اهداف مالی است. d . نیز جابه‌جایی جسم بر حسب متر است و معادل اقدام است. اقدام نیز جابه‌جایی از جایی که هستید به جایی که می‌خواهید باشید است. $\cos(\theta)$ زاویه بین نیروی وارد شده به جسم با سطح افق است که می‌تواند مثبت یا منفی باشد و دقیقاً معادل باور است. باور نیز زاویه دید افراد نسبت به مسائل مالی است که می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

همه تحصیل کرده‌ها فرمول کار را در درس فیزیک پایه دهم تجربی یاد می‌گیرند. آنچه که تحصیل کرده‌ها در طول دوران تحصیلی خود یاد نمی‌گیرند این حقیقت مهم است که با فرمول‌های فیزیک فقط می‌توانند؛ مسائل فیزیک را حل بکنند و با فرمول‌های ریاضی مسائل ریاضی و با فرمول‌های شیمی مسائل شیمی را می‌توانند حل بکنند. هیچ تحصیل کرده‌ای نمی‌تواند با فرمول‌های فیزیک یا هر فرمول دیگری مسائل مالی را حل بکند. مسائل مالی فقط با فرمول دستیابی به اهداف مالی حل می‌شوند؛ بنابراین هر قدر مسائل مالی بزرگ‌تری را حل بکنید ثروت بیشتری تولید می‌کنید. نتیجه این است که ثروتمند شدن یک حادثه و اتفاق خوش‌آیند برای یک عده معدودی نیست. بلکه یک شغل است؛ مانند هر شغل دیگری که می‌شناسید و دارای بنیان علمی و

فرایندهای علمی است. اگر کسی ثروتمند نیست، معنی‌اش این است که این شغل را انتخاب نکرده است. مانند فردی که آسپزی را به‌عنوان یک شغل انتخاب نکرده است. در حالی که این فرد زمانی که مجبور می‌شود برای خودش آسپزی هم می‌کند. اکثر مردم؛ مانند همین فرد وقتی مجبور می‌شوند به دنبال ثروت می‌روند و بقیه مواقع به شغل دیگری مشغول هستند و از اینکه چرا ثروتمند نیستند ناراحت هستند. اگر می‌توانید آسپزی کنید، پس می‌توانید ثروتمند هم بشوید. به شرطی که دوره ثروتمند شدن را مانند دوره آسپزی شرکت کنید و فرایندهای آن را یاد بگیرید.

علم بهتر است یا ثروت

علم بهتر است یا ثروت یک پرسش گمراه کننده است. کسانی که این پرسش را مطرح کردند دقیقاً می‌دانستند چه کار می‌کنند. این پرسش در سال‌های دور حتی موضوع انشای مدارس نیز بوده است. هدف این پرسش با ستایش علم و نکوهش ثروت دنبال دور کردن مردم از ثروت بوده است. درحالی‌که علم و ثروت علت و معلول یکدیگرند. یعنی ثروت نتیجه است. نتیجه یک فرایند علمی بنام ثروتمند شدن است. جمله "علم بهتر است یا ثروت" مانند این است که بگوییم آزمایش علمی بهتر است یا نتیجه آن. معلوم است نتیجه بدون آزمایش و آزمایش بدون نتیجه مفهومی ندارد. ثروت نتیجه علم ثروتمند شدن است. علم و ثروت دو چیز

متمایز و قابل مقایسه باهم نیستند. این علم مانند هر علم دیگر آموزشی است. شما در حال یادگیری این علم هستید. با توجه به این علم و با استفاده از فرمول موفقیت افراد جامعه را می‌توان به چهار گروه متفاوت تقسیم نمود.

گروه‌بندی افراد با فرمول موفقیت

حال که متوجه شدیم فرمول موفقیت مانند فرمول‌های فیزیک و ریاضی دقیق است. بیاید موفقیت یا میزان دستیابی چهار گروه از افراد جامعه (ثروتمندان، افراد متوسط، بیکاران و فقرا) را با استفاده از این فرمول با اعداد و ارقام نشان بدهیم. یکبار دیگر فرمول را یادآوری می‌کنیم:

باورها * نیروهای درونی * اقدام = هدف مالی

$$۱۰۰ - ۱۰۰ = (۱) \text{ (صفر الی ۱۰)} \text{ (صفر الی ۱۰۰)}$$

$$۱۰۰ = (۱) * (۱۰) * (۱۰)$$

افراد ثروتمند حداکثر باورهای مثبت را دارند (۱۰) و نیروی درونی آنها فعال است (۱۰) و اقداماتشان مرتبط با اهداف مالی‌شان است (۱). این افراد ۱۰۰ درصد به اهداف مالی که انتخاب کرده‌اند می‌رسند.

$$۱۲.۵ = (۰.۵) * (۵) * (۵)$$

افراد متوسط جامعه باورهایشان ترکیبی از باورهای مثبت و منفی است (۵) و نیروی درونی آنها گاه فعال و گاه غیرفعال است (۵) و اقداماتشان نیزگاهی مرتبط و گاهی غیرمرتبط با اهداف مالی اشان است (۰.۵). این افراد در دستیابی به اهداف مالی خود حداکثر ۱۲.۵ درصد موفق می شوند. افراد متوسط ۹۵ درصد جامعه را تشکیل میدهند.

$$۰ = (۰) * (۱۰) * (۱۰)$$

افراد بیکار حداکثر باورهای مثبت را دارند (۱۰) و نیروی های درونی آنها فعال است (۱۰) ولی اقداماتشان غیرمرتبط با اهداف مالی اشان است یا اهداف مالی ندارند (۰). این افراد بسیار مستعد آموزش و مستعد موفقیت هستند.

$$-۱۰۰ = (۱) * (۱۰) * (-۱۰)$$

فقرا حداکثر باورهای منفی را دارند (-۱۰) و نیروی درونی آنها فعال است (۱۰) و اقداماتشان گاه مرتبط (۱) و گاه غیرمرتبط (۰) با اهداف مالی اشان است (صفر الی ۱). افراد بیکار تا ورشکسته جزء این طیف هستند.

جواب چکاپ موفقیت

باتوجه به مقیاس بندی موفقیت، موفقیت را می‌توان به شرح زیر روی یک محور دوطرفه که از ۱۰۰- (ورشکستگی) الی ۱۰۰ (موفقیت کامل) مقیاس بندی شده است؛ نشان داد.

ورشکسته فقیر بیکار افراد متوسط افراد موفق



۱۰۰ ۵۰ ۰ -۵۰ -۱۰۰

حالا شما نمره عددی چکاپ سه‌گانه موفقیت خود را دارید؛ آنها را در هم ضرب کنید. عدد به دست آمده جایگاه فعلی شما را روی محور موفقیت را نشان می‌دهد. جایگاه خود را روی محور موفقیت مشخص کنید. جایگاه فعلی شما روی محور موفقیت هر جا باشد اصلاً مهم نیست. چون قرار نیست در جایی که هستید؛ برای همیشه بمانید. شما یا پیشرفت یا پسرفت خواهید کرد. مهم این است که می‌دانید برای پیشرفت و موفقیت در چه زمینه‌ای باید کار کنید و در چه زمینه باید آموزش ببینید. بدون رفع اشکالات و نواقص و کمبودها هر گونه اقدام، اقدام برای شکست خواهد بود؛ بنابراین چکاپ موفقیت یک پیشنهاد نیست، یک ضرورت است.

فاصله شما با موفقیت

اگر نمی‌دانید برای چه تحصیل می‌کنید. به اندازه سال‌هایی که تحصیل می‌کنید از موفقیت دور می‌شوید. شما بهترین سرمایه‌های زندگی خود را که شامل اندیشه، نیروهای درونی و زمان هستند را بجای آنکه صرف موفقیت بکنید صرف دور شدن از موفقیت می‌کنید. وقتی شما چهار سال از بهترین لحظات زندگی خود را که می‌توانستید صرف موفقیت بکنید؛ صرف گرفتن مدرک می‌کنید و سپس بیکار می‌شوید. یعنی شما رایگان تحصیل نکرده‌اید؛ بلکه با ارزش‌ترین سرمایه‌های خود را صرف مدرکی کرده‌اید که امروز نمی‌دانید با این دستاورد خود چه کار کنید. متأسفانه شما در تلف کردن سرمایه‌های خود تنها نیستید و تنها مقصر این وضعیت هم نیستید. فاصله شما را با موفقیت، مدرک تحصیلی کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و حتی دکتری نیز پر نمی‌کند که هیچ بلکه این فاصله را به قیمت گرفتن جوانی‌ات از شما دور هم می‌کند. توصیه من به شما این است. اول موفق شدن را یاد بگیرید. سپس در آن زمینه ادامه تحصیل بدهید. تحصیل در زمینه‌ای که موفق هستید؛ شما را موفق‌تر می‌کند. پس موفقیت زیربنای تحصیل و ادامه تحصیل است. موفقیت نه‌تنها زیربنای تحصیل است؛ بلکه زیربنای شغل اکتشافی نیز است. موفقیت زیربنای خوشبختی نیز است. موفقیت زیربنای زندگی نیز است. اصلاً انسان برای موفقیت طراحی شده است. شما همه چیز برای موفقیت دارید و هیچ فاصله‌ای با موفقیت ندارید.

رمز موفقیت

رمز موفقیت، استفاده درست از سرمایه‌های خدادادی است. متأسفانه نه تنها ارزش آنها را نمی‌دانیم؛ بلکه در هدر دادن این سرمایه‌های خدادادی استاد هستیم. در این قسمت کلید استفاده از این سرمایه‌های خدادادی را در اختیار شما قرار می‌دهم. به میزانی که در استفاده از این کلیدها مهارت پیدا می‌کنید؛ به همان میزان موفقیت کسب می‌کنید.

کلید استفاده از اندیشه

ذهن و اندیشه بی‌نهایتی که به شما داده شده است به درد هیچ کاری غیر از موفقیت نمی‌خورد. اگر از این سرمایه خدادادی برای موفقیت بهره‌برداری با حیوانات دیگر که از این سرمایه بی‌بهره‌اند فرق چندانی نخواهید داشت. ما راه رفتن را یاد گرفته‌ایم. چون دو تا پا داریم و برای راه رفتن طراحی شده‌ایم. ما غذا خوردن را یاد گرفته‌ایم. چون یک‌دهان داریم و برای غذا خوردن طراحی شده‌اند. این موارد و خیلی از موارد مشابه این، نشانه موفقیت و استفاده از ذهن و اندیشه نیست. ما پرواز کردن را هم یاد گرفتیم در حالی که بال نداریم و برای پرواز کردن طراحی نشده‌ایم. ما زیر آب شنا می‌کنیم. در حالیکه برای شنا کردن زیر آب طراحی نشده‌ایم. چشم ما برای دیدن در تاریکی طراحی نشده است. ولی در شب نیز مثل روز می‌بینیم. گوش ما برای شنیدن صدای دوردست‌ها طراحی نشده

است؛ ولی صدای همدیگر را با هر فاصله‌ای که امکان دورشدن وجود دارد می‌شنویم. این یعنی موفقیت، پس ما برای موفقیت طراحی شده‌ایم. این نوع موفقیت است که نیاز به به‌کارگیری ذهن و اندیشه دارد. موفقیت یعنی دستیابی به اهداف است. اهدافی که در نگاه اول غیر قابل باور و دستیابی به آنها غیرممکن به نظر می‌رسد. من می‌خواهم شما اول موفق بشوید و بعد در زمینه موفقیت خود تحصیل کنید. معنی تحصیل کردن به‌دست‌آوردن است. پس تحصیل کردن یعنی موفقیت بیشتر کسب کردن است. در حالیکه در سیستم آموزشی درست عکس این حالت آموزش داده می‌شود. موفقیت زیر بنای زندگی زینده است و زیر بنای موفقیت، به‌کارگیری اندیشه است. لازمه به‌کارگیری اندیشه چالش و مسئله است. واحد به‌کارگیری اندیشه، فکر است؛ بنابراین شما باید یاد بگیرید چگونه با فکرهایتان باور کنید. پس هر چیزی را که بتوانید باور کنید؛ می‌توانید به دست آورید. متأسفانه عموم مردم در انجام عکس این حالت مهارت کسب کرده‌اند. یعنی تا به دست نیاورند یا نبینند باور نمی‌کنند. رمز استفاده از اندیشه این است که باورهایی که لازم دارید با فکر کردن ایجاد کنید. چون باور عامل اقدام است. باتوجه‌به مطالب فوق می‌توان چنین خلاصه کرد.

۱- مسئله یا چالش درست تعریف شود.

۲- نتیجه حل مسئله یا هدف مشخص باشد. این هدف باید در یک جمله کوتاه بیان شود.

۳- دستیابی به این هدف هیجان‌انگیز باشد.

۴- مزایای دستیابی به این هدف نیز بیان شود.

در این صورت اندیشه فعال می‌شود؛ ولی کافی نیست. شما زمانی به هدفتان می‌رسید که آن را باور بکنید.

کلید استفاده از نیروهای درونی

نیروهای درونی عامل توسعه و ترقی زندگی هستند. کارکرد نیروهای درونی بسیار تخصصی و شبیه کارکرد دنده‌های یک خودرو ۵ دنده است. در خودرو هرگز کاری را که دنده یک انجام می‌دهد؛ نمی‌تواند دنده عقب انجام بدهد و همین‌طور کاری را که دنده کمکی می‌تواند انجام دهد؛ هرگز نمی‌تواند دنده ۴ انجام دهد و بلعکس. تا زمانی که شما نحوه کارکرد این دنده‌ها را در خودرو یاد نگیرید نمی‌توانید از سواری این خودرو لذت ببرید. نیروهای درونی شامل علاقه، اشتیاق، انگیزه، اراده و شهود هستند. کاری را که نیروی علاقه می‌تواند انجام دهد، هرگز نیروی انگیزه نمی‌تواند انجام دهد و بلعکس و کاری را که اراده می‌تواند انجام دهد؛ هرگز شهود نمی‌تواند انجام دهد و بلعکس. حال اگر شما یک

شغل الگوریتمی داشته باشید؛ باید بجای سوار شدن و رانندگی کردن باید خودروی زندگی خودرو حول بدهید. در شغل های الگوریتمی به اندازه ای به شما حقوق می دهند که بتوانید خودروی زندگی خود را در طول یک ماه حول بدهید و فقط در تعطیلات سوار بشوید. به همین خاطر هیچ کس به اندازه کسانی که شغل الگوریتمی دارند؛ از تعطیلات استقبال نمی کنند. چون آنها فقط در تعطیلات می توانند از سوار شدن به خودروی زندگی خود لذت ببرند. اما کسانی که شغل اکتشافی دارند از همان ابتدا که تصمیم می گیرند چنین شغلی داشته باشند سوار خودروی زندگی خود می شوند و از تمام مسیر زندگی لذت می برند. ولی خودروی زندگی خودروی ارزان قیمتی نیست که شما بدون آموزش وارد اتوبان زندگی بشوید. چون اولین اشتباه شما در استفاده از دنده های این خودرو می تواند خسارت زیاد و حتی جبران ناپذیری به خودروی زندگی تان وارد کند. به همین خاطر تعداد زیادی از افراد بدلیل ترس از صدمه زدن به خودروی زندگی خود با احتیاط تمام آن را دریک شغل الگوریتمی بدون لذت بردن از آن دائما حول می دهند. خبر خوب این است دیگر لازم نیست خودروی زندگی خود را بیشتر اوقات حول بدهید. وقتش رسیده که سوار خودروی زندگی بشوید و از رانندگی خود لذت ببرید. برای اینکار لازم است آموزش ببینید و گواهی نامه رانندگی زندگی خود را بگیرید و بدون ترس و با اطمینان به پیش بروید.

کلید استفاده از زمان

هر کسی اگر بخواهد تغییری در زندگی خود ایجاد کند باید تعبیر خود را از زمان تغییر دهد. یعنی به زمان متفاوت نگاه کند. نگرش افراد موفق به زمان بسیار متفاوت از دیگران است. موفقیت یک برنامه زمانی و عقلانی است. اولین چیزی که در یک برنامه مهم است زمان آن برنامه است. مغز ما برای پردازش و انجام یک برنامه از طریق زمان تصویری که ما به آن می‌دهیم؛ آن برنامه را پردازش و پیاده‌سازی می‌کند. واحد زمان پردازش مغز ما ثانیه است. وقتی برنامه موفقیت شما سالانه است. مغز برای پردازش این برنامه آن قدر قدرت خود را کاهش بدهد؛ یعنی آن قدر ضعیف کار کند تا خودش را با برنامه زمانی شما تطبیق بدهد. این گفته؛ مانند این است که به یک کامپیوتر خیلی قوی یک برنامه محاسبه ریاضی را که در کسری از ثانیه می‌تواند پردازش کند کدی بدهید که آن محاسبه را در یک سال انجام بدهد. به نظر شما این کامپیوتر چقدر باید قدرت پردازش خود را پایین بیاورد تا بتواند این دستور شما را عملیاتی کند. مثال دیگر اهمیت زمان را بیشتر نشان می‌دهد. اگر شما کاری را که برای انجام آن دو روز لازم است به فردی واگذار کنید و یک سال مهلت بدهید. این فرد برای انجام این کار باید ۳۶۳ روز خود را تلف و تباه کند تا آن کار را انجام دهد. این کار شبیه برخورد ما با زمان دانشجویانمان در دانشگاه است. واحد زمان فعالیت درسی در دانشگاه ۶ ماه است و واحد زمان اخذ مدرک تحصیلی ۴ سال است. یعنی بین یادگیری و بکارگیری

حداقل ۴ سال فاصله زمانی وجود دارد. فاصله زمانی بین یادگیری و بکارگیری افراد موفق حداقل است. فعالیت مغز ما به شدت وابسته به زمان است. درک درست از زمان رمز موفقیت است. هر قدر واحد فعالیت شما به واحد زمان یعنی ثانیه نزدیکتر شود، موفقیت شما بیشتر می‌شود. چون واحد زمان پردازش مغز، ثانیه است. وقتی شما به سرعت بیشتر، دقت بیشتر و بهره‌وری بیشتر نیاز دارید باید در واحد زمان کار بکنید. چون در واحد زمان ضریب خطا بسیار کاهش پیدا می‌کند. هر قدر واحد زمان فعالیت شما به واحد زمان نزدیکتر شود به همان اندازه موفق‌ترید. توصیه من به شما این است؛ زندگی واقعی با کسب درآمد شروع می‌شود نه با کسب مدرک. بنابراین زمان زندگی واقعی خود را به خاطر کسب مدارک بالاتر به تعویق نیندازید.

موفقیت، هسته شغل اکتشافی

موفقیت یعنی دستیابی به هدف مالی است. تکرار دستیابی به هدف مالی؛ یعنی ایجاد چرخه موفقیت، و ایجاد صحیح چرخه موفقیت، شغل نام دارد. اگر این شغل توسط نیروهای درونی مدیریت شود؛ شغل اکتشافی نامیده می‌شود. درک و فهم این شرایط آسان است؛ ولی پیاده‌سازی این شرایط و راه‌اندازی شغل اکتشافی آسان نیست. کلاً آسان‌سازی، آسان نیست. آسان‌سازی خلاقیت است و تخصص من آسان‌سازی است. بنابراین تمام شرایط شغل اکتشافی که بیان کردیم باید در هسته آن

وجود داشته باشد. این شرایط شامل این موارد است. هیجان‌انگیز باشد که ذهن و اندیشه ما را فعال و بکار گیرد. قابل‌باور باشد تا منجر به اقدام شود و تکرارپذیر باشد تا بتوان چرخه موفقیت را ایجاد کرد. لذت‌بخش باشد؛ یعنی نیروهای درونی مثل علاقه و اشتیاق ما را درگیر کند و باعث کامیابی ما شود. نیاز به امکانات اولیه گران‌قیمت و سرمایه بر نباشد و زمان‌بر نباشد؛ یعنی یادگیری آن آسان و نیاز به سال‌ها آموزش نداشته باشد. فاصله بین یادگیری و به‌کارگیری حداقل باشد. به زندگی ما معنی بدهد و مهم‌تر از همه پول‌ساز باشد. مطمئناً چنین شغلی که همه این شرایط را داشته باشد؛ وجود ندارد؛ بنابراین چنین شغلی یافتنی نیست؛ ولی ساختنی است؛ بنابراین شغل اکتشافی در وهله اول نیاز به طراحی و در مرحله دوم نیاز به اجرا دارد که به آن معماری کسب‌وکار موردعلاقه می‌گویند.

طراحی هسته شغل اکتشافی

همه ما با مفهوم طراحی آشنا هستیم. طراحی یعنی خلق چیزی در ذهن و پیاده‌سازی آن روی کاغذ است. چیزی که تا به حال وجود نداشته است؛ بنابراین مزیت طراحی این است. اگر طرحمان موردپسند نباشد؛ می‌توانیم بلافاصله بدون فوت فقط طرحمان را عوض کنیم. تمامی شاهکارهای خلق شده در دنیا محصول طراحی و باز طراحی هستند. طراحی هسته شغل یعنی پایه‌ریزی شغل دلخواه و پایه‌ریزی شغل دلخواه

یعنی شروع ساختن زندگی ایده‌آل است. چون این طراحی روی کاغذ انجام می‌شود. شکست‌های ما نیز روی کاغذ اتفاق می‌افتد. معنی شکست روی کاغذ این است؛ چیزی را نمی‌دانستیم و حالا یاد گرفتیم. بنابراین هزینه‌ای به جز باز طراحی نخواهد داشت. ولی زمانی که شما در عمل کسب‌وکاری را بدون آموزش و طراحی راه‌اندازی می‌کنید. قطعاً شکست خواهید خورد و این شکست، معنی کاملاً متفاوتی برای شما خواهد داشت. معنی شکست در میدان عمل یعنی شما سرمایه‌ای داشتید و حالا ندارید. این شکست فقط سرمایه شما را تلف نمی‌کند، بلکه زمان و گاهی اعتمادبه‌نفس شما را نیز از بین می‌برد. طراحی هسته شغل بسیار اهمیت دارد. زیرا زندگی ما وابسته به طراحی هسته شغل ماست. اگر هسته شغل ما موردعلاقه ما باشد؛ قطعاً شغل ما موردعلاقه ما خواهد بود. در این صورت شغل ما بخش جذاب جریان طبیعی زندگی ما خواهد بود. این اتفاق زمانی می‌افتد که ما از علاقه خود پول در بیاوریم.

بازی موفقیت

همه انسان‌ها از کوچک تا بزرگ از بازی کردن لذت می‌برند. چون با قواعد بازی و امتیازهای آن آشنایی دارند. وقتی ما با قواعد یک بازی و امتیازهای آن آشنا نیستیم. ترجیح می‌دهیم یا اصلاً بازی نکنیم یا بی‌خطر بازی کنیم. متأسفانه شرایط بیشتر افراد در کار این‌چنین است. یعنی ترجیح می‌دهند یا بازی نکنند (بیکار باشند) یا یک شغل بی‌خطر

الگوریتمی را داشته باشند. پول در آوردن از علاقه، کار را به بازی تبدیل می‌کند. چون شرایط پول درآوردن از علاقه شبیه بازی است. مهم‌ترین شرایط بازی که در بازی موفقیت یعنی بازی پول درآوردن نیز رعایت می‌شود؛ به شرح زیر هستند.

۱- حق انتخاب:

افراد بازی را انتخاب می‌کنند که به آن علاقه دارند. وقتی شما به یک بازی علاقه داشته باشید؛ از خود بازی به اندازه نتیجه بازی (برد) لذت می‌برید. همین‌طور وقتی شما کاری را انتخاب می‌کنید که به آن علاقه دارید و مهم‌تر از همه از علاقه خود پول درمی‌آورید؛ کار خود را به بازی کار تبدیل می‌کنید و با همان اشتیاقی کار می‌کنید که بازی می‌کنید و وقتی مثل بازی کردن کار می‌کنید؛ نتایج (پول) از حد انتظارتان فراتر می‌رود. شما نیز می‌توانید از این حق انتخاب برای لذت‌بردن از کار و زندگی خود بهره‌مند شوید.

۲- اهداف:

در بازی اهداف بازی به‌روشنی تعریف شده‌اند. هر کاری که ما در فعالیت‌های سرگرم‌کننده و بازی‌ها انجام می‌دهیم. کاملاً هدف‌محور است. اگر شما اهداف و گل‌ها را از بازی ورزش حذف کنید. مهم‌ترین انگیزه بازی؛ یعنی هدف‌گذاری و تلاش برای رسیدن به آن را حذف

کرده‌اید. مثلاً وقتی پا به زمین فوتبال یا والیبال می‌گذاریم؛ می‌دانیم که هدف بردن است. اهداف در کار موردعلاقه بسیار دقیق و روشن حتی انگیزه‌بخش‌تر از هر بازی که می‌شناسید؛ تعریف می‌شوند. این فرصت اکنون برای شما فراهم شده است.

۳- امتیاز و نتایج:

در بازی امتیازها شمرده می‌شوند و همه می‌دانند تا نتیجه نهایی چقدر امتیاز لازم است. امتیازدهی یک اصل مسلم در بازی‌هاست. هر بازیکنی دقیقاً می‌داند امتیازش چند است و چقدر با برد (موفقیت) فاصله دارد. فهم این موضوع در بازی باعث می‌شود که چه اقداماتی را انجام دهید تا موفق شوید. اگر چیزی را نتوانید اندازه‌گیری کنید؛ نمی‌توانید مدیریتش کنید. اصل امتیازدهی برای سنجش موقعیت و جایگاه فعلی‌تان ضروری است و این اصل دقیقاً با چکاپ موفقیت در کسب‌وکار موردعلاقه پیاده می‌شود. هم اکنون شما می‌دانید جایگاهتان روی محور موفقیت کجاست و چقدر با موفقیت فاصله دارید و دقیقاً می‌دانید برای دستیابی به موفقیت چه کار باید بکنید.

۴- حریف یا رقیب:

در بازی همیشه حریف وجود دارد. در تمامی بازی‌های ورزشی حریف یا حریفان قدر و تعلیم‌دیده هستند که کار پیروشدن را سخت و سخت‌تر

می‌کنند. حریف شما در بازی پول درآوردن از هر حریفی قدرتر است. چون این حریف شما را بهتر از خودتان می‌شناسد و همیشه با شماست. این حرف قدر، ذهن شماست. این حریف حتی نمی‌گذارد؛ بسیاری از افراد حتی وارد زمین بازی پول درآوردن شوند. بیش از ۹۹ درصد بازی پول درآوردن غلبه بر این حریف است. چون این حریف مسئول اقدام کردن یا اقدام نکردن شماست.

۶- مربی:

در همه بازی‌ها بدون استثنا یک مربی وجود دارد. وجود مربی خوب دلیل اصلی پیشرفت و مهم‌تر از آن استمرار پیشرفت بازیکنان است. ولی متأسفانه داشتن یک مربی در کسب‌وکار به‌اندازه داشتن یک مربی برای یک بازی معمولی احساس نمی‌شود. وجود مربی در کسب‌وکار موردعلاقه، مانند وجود مربی نقاشی یا موسیقی یا هر بازی دیگر ضروری است. برای پول در آوردن از علاقه‌تان نیاز به مربی ضروری است. چون شکست در کسب‌وکار به معنی پس رفت در زندگی است. اینکه اقرار کنید به یک مربی نیاز دارید؛ نشانه عیب یا نقص شما نیست؛ بلکه نشان‌دهنده ضعف موقتی‌تان است و مربی کمک می‌کند؛ بر این ضعف غلبه کنید. اگرچه اینکه بخواهید؛ خودتان به‌تنهایی با استفاده از مطالب این کتاب جلو بروید و تمرین کنید شدنی است. اما مشکلش این است که کسی نیست به شما بازخورد دقیقی بر مبنای عملکردتان بدهد تا به این ترتیب

ایراد کارتان را شناسایی کنید و آن را برطرف نمایید. اینکه بخواهید به صورت خودآموزی پیش برید قطعاً امکان‌پذیر است؛ اما معمولاً وقت بسیار زیادی از شما می‌گیرد.

مدل موفقیت

وقتی از علاقه خود پول در بیاوریم. موفقیت موردعلاقه ما رقم می‌خورد و هسته شغل اکتشافی ما شکل می‌گیرد. تمامی ثروتمندان شغل موردعلاقه خود را دارند و به دیگران نیز توصیه می‌کنند که شغل موردعلاقه خود را داشته باشند. همه می‌توانند به شما بگویند شغل موردعلاقه خود را داشته باشید؛ ولی هیچ‌کس چگونگی این کار را نمی‌تواند به شما بگوید. همه مطالبی که تا اینجا گفتم مهم و ضروری بودند. چون این مطالب برای درک اهمیت موضوع، موضوعی که تابه‌حال کسی نتوانسته چگونگی آن را بگوید لازم بود. این موضوع " چگونه از علاقه خود پول در بیاوریم " در کمترین زمان و بدون سرمایه اولیه است. مدل زیر تبدیل علاقه به پول را نشان می‌دهد. شکل زیر مدل هسته اولیه شغل اکتشافی یا کسب‌وکار موردعلاقه است.

هدفی که شما را رشد می دهد	هدفی که شما آن را رشد می دهید.	کسب و کار مورد علاقه	زندگی مورد علاقه
کشف علاقه	نتیجه فعالیت مورد	تولید محصول یا ارایه خدمت	فروش
به شخصی که دوست دارید تبدیل می شوید	ارایه محصول یا خدمتی که دوست دارید	اطمینان از فروش	زندگی به روش دلخواه

علاقه بسیار مهم است. چون باعث استمرار و لذت بردن از کار می شود.

علاقه دو نوع است. علاقه به انجام دادن چیزی یا علاقه به داشتن چیزی است. فرقی نمی کند علاقه شما از کدام نوع است. طبق مدل فوق هر علاقه ای را می شود به پول تبدیل کرد. قدم بعدی جهت دهی به علاقه و تعیین هدف است. هدفی که شما را به ذوق و شوق می آورد و شما به آن اشتیاق دارید. این همان هدفی است که شما را رشد می دهد. در دست یابی به این هدف فرایند خبرگی رقم می خورد. هم زمان با فرایند خبرگی که یک فرایند رشدی ناتمام است، قدم بعدی برداشته می شود که

همان خلق ارزش است. این ارزش از طریق ارائه محصول یا خدمت حاصل می‌شود. در این مدل قدم بعدی برداشته نمی‌شود؛ مگر اینکه این محصول یا خدمتی که قرار است ارائه شود؛ یک ویژگی مهم داشته باشد. این ویژگی مهم این است که مردم حاضر باشند به آن پول بدهند. اگر این محصول یا خدمت برای مردم ارزشمند نباشد. اجازه ادامه کار داده نمی‌شود. اینجاست که شما با مفهوم بازطراحی و شکست روی کاغذ به صورت عملی آشنا می‌شوید. پس از اطمینان از فروش محصول یا خدمات خود قدم بعدی قیمت‌گذاری و فروش است. فروش در این مدل آغاز کسب‌وکار موردعلاقه است. وقتی شما از علاقه خود پول درمی‌آورید از کار به اندازه بازی لذت می‌برید هر بار که این مدل را تکرار می‌کنید؛ شما پیشرفت می‌کنید. یعنی ثروتمند می‌شوید.

آنچه که در این مدل موفقیت ارائه شد همه حقایق نیست؛ بلکه خلاصه آنهاست. زیرا بیان همه حقایق با جزئیات به صورت نوشتاری حجم کتاب را بسیار زیاد می‌کرد. از این رو جزئیات و توضیحات مطالب با مثال‌های متنوع در نسخه موفقیت گنجانده شده است.

معیار موفقیت

معیار موفقیت انسان با میزان بهره‌برداری انسان از نعمت زندگی مشخص می‌شود و میزان بهره‌برداری انسان از زندگی با دو معیار رضایت و عملکرد سنجیده می‌شود.

۱- رضایت: یک احساس درونی است.

۲- عملکرد: یک نتیجه بیرونی است.

رضایت مربوط به مسیر زندگی است و عملکرد مربوط به مقصدهای زندگی است. مقصدهای زندگی همان ابعاد چهارگانه زندگی هستند. کسب و کار موردعلاقه رضایت و عملکرد را تضمین می‌کند و شما ثروتمندانه زندگی می‌کنید. اگر من به شما چیزی را یاد بدهم که رضایت شما را بالا ببرد؛ اما عملکرد شما را کاهش دهد. برای هیچ یک از ما فایده‌ای ندارد و اگر عملکرد بالا رود درحالی که رضایت شما پایین بیاید شما یک برنده نگون بخت خواهید بود. به همین دلیل است؛ برخی از افرادی را که می‌شناسید به‌ظاهر موفق‌ترین هستند درحالی که غمگین‌ترین هستند. آنها معیار دوم را رعایت کرده‌اند؛ فراموش کرده‌اند که معیار اول هم به‌اندازه معیار دوم مهم است. برای داشتن یک زندگی ایده‌آل هم رضایت و هم عملکرد باید حضور داشته باشد. کسب و کار موردعلاقه هر دو معیار رضایت و عملکرد را به زندگی می‌آورد.

ویژگی‌های منحصربه‌فرد کسب‌وکار موردها

داشتن کسب‌وکار موردها دیگر یک رؤیای دست‌نیافتنی نیست؛ ولی آن قدر ویژگی‌های منحصربه‌فرد دارد که آن را شبیه یک رؤیا کرده است. در جدول زیر تعدادی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن بیان شده است.

ردیف	ویژگی
۱	کسب‌وکار موردها مطابق باعلاقه و متناسب با شرایط شماست.
۲	در کسب‌وکار موردها، علاقه شما به پول تبدیل می‌شود.
۳	همه علاقه دارند؛ بنابراین همه می‌توانند کسب‌وکار موردها خود را داشته باشند.
۴	در کسب‌وکار موردها، علاقه شما داوری نمی‌شود. فقط به علاقه شما جهت داده می‌شود.
۵	کسب‌وکار موردها را هم‌زمان با تحصیل می‌توان راه‌اندازی کرد.
۶	کسب‌وکار موردها را با هر سن و سالی می‌توان راه‌اندازی کرد.
۷	سرمایه شما در راه‌اندازی کسب‌وکار موردها اندیشه، نیروهای درونی و زمان است.
۸	در کسب‌وکار موردها در ابتدای مسیر، مسئله فروش حل می‌شود.
۹	میزان موفقیت در کسب‌وکار موردها ۱۰۰ درصد است. چون از فروش اطمینان حاصل می‌شود.
۱۰	راه‌اندازی کسب‌وکار موردها زمان‌بر نیست.
۱۱	راه‌اندازی کسب‌وکار موردها نیاز به سرمایه ندارد.
۱۲	راه‌اندازی کسب‌وکار موردها فاقد بروکراسی و پیچیدگی است.
۱۳	در راه‌اندازی کسب‌وکار موردها در ابتدای مسیر نیاز به ثبت شرکت

و رفتن زیر بار تعهدات مالی نیست.	
کسب‌وکار موردعلاقه سه نیاز فطری انسان شامل آزادی عمل، خبرگی و هدف متعالی را در بردارد.	۱۴
سه نیاز مادی، معنوی و روحی انسان شامل موفقیت، خوشبختی و سعادت‌مندی در آن گنجانده شده است.	۱۵
در کسب‌وکار موردعلاقه، خودتان رئیس خودتان هستید.	۱۶

تفسیر جواب چکاپ موفقیت

خداوند به همه انسان‌ها نعمت زندگی را عطا نموده و سرمایه‌های یکسانی را برای بهره‌برداری از این نعمت بی‌بدیل را در اختیار همه قرار داده است. باوجود این، در طول زمان انسان‌ها زندگی بسیار متفاوتی از نظر عملکرد و رضایت را تجربه می‌کنند. راز این تفاوت زندگی انسان‌ها با تفسیر جواب چکاپ سه‌گانه موفقیت آشکار می‌شود.

تفسیر جواب چکاپ اول موفقیت

چکاپ اول موفقیت در حقیقت میزان عملکرد (خلق ارزش یا تولید ثروت) شما را در زندگی نشان می‌دهد. میزان عملکرد شما نیز میزان بهره‌برداری شما را از اندیشه بی‌نهایت نشان می‌دهد. زیرا عملکرد یا سهم شما را از ثروت‌ها و نعمت‌های خالق هستی را باورهایتان تعیین می‌کنند. اگر باورهایتان منفی باشد در نهایت عملکردتان نیز منفی خواهد بود. هیچ‌کس دستاوردی یا عملکردی فراتر از باورهایش نمی‌تواند کسب کند؛

بنابراین تفاوت عملکرد افراد، ناشی از تفاوت باورهایشان است. اندیشه بی‌نهایت است. پس عملکرد نیز می‌تواند بی‌نهایت باشد. ولی آنچه که عملکرد را محدود می‌کند باورهای ما است. خبر خوب این است؛ هیچ‌کس با باورهایش متولد نمی‌شود. باورها در طول زمان شکل می‌گیرند. خبر خوب‌تر اینکه می‌شود به باورها شکل داد و آنها را ساخت. معنی این گفته این است عملکرد را می‌توان افزایش داد. پس زندگی را می‌شود ساخت.

باورها به سه طریق شکل می‌گیرند.

- ۱- ناآگاهانه که عامل آن تکرار است.
- ۲- آگاهانه که عامل آن اعتماد است.
- ۳- عاقلانه که عامل آن فکر است.

نقش باور

اگر اندیشه را یک کارگاه خیلی بزرگ با بی‌نهایت ابزار (فکر) در نظر بگیریم. ذهن را می‌توان یک جعبه‌ابزار در نظر گرفت. باورها، کلیدهایی هستند که شما داخل جعبه‌ابزار خود می‌گذارید. کلید دو تا نقش دارد. می‌تواند قفل (مشکل) را باز کند یا می‌تواند قفلی را که از قبل باز بوده را ببندد (مشکلی را به وجود آورد). همچنین شما می‌توانید در این کارگاه

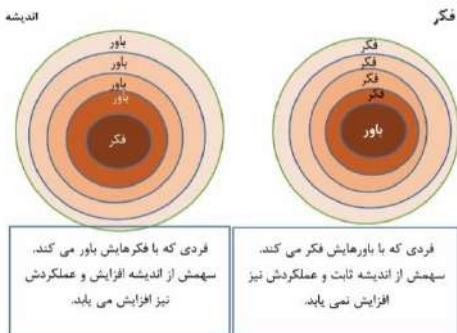
اندیشه با استفاده از ابزار (فکر) فراوانی که در اختیار دارید. کلید مناسب (باور مناسب) با هر قفل (مشکل) را بسازید؛ بنابراین شما می‌توانید جعبه‌ابزار (ذهن) خود را به دو طریق با کلیدها (باورها) پر کنید. از کلیدهای موجود (باورهای موجود) یعنی کلیدهای ساخته شده (باورهای ساخته شده) توسط دیگران یا از کلیدهایی (باورهایی) که خودت با استفاده از ابزار (فکر) درست می‌کنید؛ بنابراین افراد از نظر باورها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- افرادی که جعبه‌ابزارشان (ذهنشان) را با کلیدهای (باورهای) دیگران پر کرده‌اند.

۲- افرادی که جعبه‌ابزارشان (ذهنشان) را با کلیدهایی (باورهایی) که خودشان می‌سازند؛ پر می‌کنند.

بنابراین، گروه اول عملکردشان محدود است. چون باورهایشان محدود است و حداکثر عملکردشان مشابه افرادی است که باورهایشان را از آنها گرفته‌اند. اما گروه دوم عملکردشان تابعی از توانایی ساخت باورهایشان است. سهم گروه اول از اندیشه به‌اندازه باورهایشان است و سهم گروه دوم از اندیشه بی‌نهایت تابعی از توانایی آنها در ساخت باورهایشان است. در حقیقت گروه اول با باورهایشان فکر می‌کنند و گروه دوم با فکرهایشان باور می‌کنند. شکل زیر نحوه استفاده این دو گروه از منبع اندیشه را نشان می‌دهد.

آنهایی که با باورهای خود فکر می‌کنند مقلد می‌شوند و آنهایی که با
فکرهایشان باور می‌کنند؛ مؤمن می‌شوند.



تفاوت باور با ایمان

ما عادت داریم همه چیز را زیر سؤال ببریم، به جزء باورهایمان و
هیچگاه به زیر سؤال بردن آنها فکر نمی‌کنیم. درحالی‌که برای موفقیت
این کاری است که باید انجام بدهیم. در اینجا به فرق باور و ایمان اشاره
می‌کنم تا از زیر سؤال بردن باورهای خود نه‌راسید. چون باور با ایمان
کاملاً متفاوت است. ولی بسیاری از افراد باور و ایمان را معادل هم
می‌دانند. درحالی‌که این‌گونه نیست. تفاوت باور با ایمان در جدول زیر
آورده شده است.

ایمان	باور	ر دیف
منشأ ایمان درونی است.	منشأ باور بیرونی است.	۱
ایمان یقین به چیزی است.	باور تأیید چیزی است.	۲
اساس ایمان اطمینان است.	اساس باور اعتماد است.	۳
جنس اطمینان از احساس است.	جنس اعتماد از تکرار است.	۴
ایمان در یک لحظه شکل می‌گیرد.	باور در طول زمان شکل می‌گیرد.	۵
ایمان خالص است.	باور با شک همراه است.	۶
ایمان استوار است.	باور متزلزل است.	۷
ایمان نتیجه است.	باور روش است.	۸
ایمان عامل معجزه است.	باور عامل اقدام است.	۹

نکته طلایی این بخش این است. باور باعث می‌شود شما به سمت اهدافتان حرکت کنید. ایمان باعث می‌شود اهدافتان به سمت شما حرکت کنند.

تفسیر جواب چکاپ دوم موفقیت

معیار دیگر که میزان بهره‌مندی از زندگی را نشان می‌دهد؛ رضایت است. رضایت یک احساس درونی است و حاصل به‌کارگیری نیروهای درونی است. چکاپ دوم موفقیت در حقیقت به‌نوعی سنجش این معیار مهم است. هر قدر بیشتر از نیروهای درونی خود یعنی علاقه، اشتیاق، انگیزه، اراده و شهود استفاده کنید به همان میزان رضایت از زندگی افزایش می‌یابد. اگر یادتان باشد؛ نیروهای درونی را به دنده‌های یک خودرو تشبیه کردیم. زمانی که شما در استفاده از همه دنده‌های خودرو مهارت پیدا می‌کنید و در موقعیت‌های مختلف رانندگی از دنده‌های متفاوت استفاده می‌کنید از رانندگی خود لذت می‌برید. همین‌طور برای لذت‌بردن از زندگی باید شناخت بهتری از نیروهای درونی داشته باشید. جدول زیر کارکرد و تفاوت‌های نیروهای درونی را به‌صورت خلاصه نشان می‌دهد. توضیحات کامل نیروهای درونی و نحوه به‌کارگیری آنها در نسخه موفقیت به‌تفصیل بیان شده است.

نیروهای درونی	کاربرد زمانی نیروی درونی	کارکرد اختصاصی نیروی درونی	منبع تغذیه نیروی درونی	کلید روشن شدن نیروی درونی	کلید خاموش شدن نیروی درونی	آفت نیروی درونی
علاقه	حال	نیروی حرکت	لذت و شادی‌های حال حاضر	انجام دادن کار موردعلاقه	انجام ندادن کار موردعلاقه	بی‌هدفی
اشتیاق	آینده	نیروی شتاب	لذت و شادی‌های آینده	داشتن هدف	نداشتن هدف	شک و تردید
انگیزه	گذشته	نیروی جبران	درد و رنج و مشقت‌های گذشته	درگیری	درگیری	ترس
اراده	حال - آینده	نیروی ادامه حرکت	تصمیم - تعهد	تصمیم به انجام کاری بیش از توانایی معمول خود	عدم تعهد به انجام تصمیم اتخاذ شده	ناامیدی
شهود	لحظه‌ای	نیروی راهنما یا نجات	توکل به خدا	سؤال کردن از خود	عمل نکردن به دانسته‌ها	ناآگاهی

تفسیر جواب چکاپ سوم موفقیت

چکاپ سوم موفقیت با وجود سادگی حاوی پیام بسیار مهمی است. چکاپ سوم موفقیت در حقیقت میزان بهره‌برداری شما را از زمان نشان می‌دهد. زمان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های ماست. اگر دانشی که در طول زمان فراگرفته‌ایم، اطلاعاتی که در طول زمان کسب کرده‌ایم؛ در راستای اهدافمان نباشد، ما زمان خود را به بطلت سپری کرده‌ایم؛ بنابراین چکاپ سوم موفقیت نشان می‌دهد آموزش‌های ما مفید بوده است یا نه؟ آموزش یعنی توانایی دستیابی به اهداف بدون ضایع کردن حقوق دیگران است. اگر آموزش‌های شما، شما را به اهدافتان نمی‌رساند؛ یعنی شما زمان خود را تلف کرده‌اید. اینجاست که معنی این جمله را که می‌گوید: "تفاوت انسان‌ها، تفاوت در آموزش‌های آنهاست" بیشتر متوجه می‌شوید.

جمع‌بندی تفسیر جواب چکاپ سه‌گانه موفقیت

جواب چکاپ اول، دوم و سوم موفقیت در حقیقت به ترتیب میزان عملکرد، میزان رضایت و میزان بهره‌برداری از زمان را در زندگی نشان می‌دهد. عملکرد یک نتیجه یا دستاورد است و حاصل به‌کارگیری اندیشه است. رضایت یک احساس درونی است و حاصل به‌کارگیری نیروهای درونی است. ممکن است فردی از زندگی‌اش راضی باشد؛ ولی هیچ

دستاوردی هم نداشته باشد. مانند فردی که به‌تنهایی در جنگل زندگی می‌کند و از اندیشه خود در حد زنده‌مانی استفاده می‌کند. عکس این حالت نیز وجود دارد. مانند دانشمندی که در کنج کتابخانه و یا آزمایشگاه کار می‌کند و دستاورد آن بسیار زیاد است. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید کدامیک خوب است. آنچه که مسلم است این است که می‌توان هر دو معیار یعنی رضایت و عملکرد را با راه‌اندازی کسب‌وکار موردعلاقه با هم کسب کرد. وقتی فردی هم عملکرد بالایی و هم رضایت بالایی دارد. در حقیقت از زمان خود حداکثر بهره‌برداری را کرده است. به همین خاطر درک و شناخت بیشتر این عوامل (اندیشه و نیروهای درونی) که منجر به عملکرد و رضایت می‌شود؛ ضروری است. البته نیاز به گفتن نیست. به‌کارگیری این دو عامل در ظرف زمان شکل می‌گیرد. یعنی هر چه از این دو عامل بیشتر و بهتر استفاده کنیم. از زمان خود بهره لازم را برده‌ایم.

نسخه موفقیت

حتماً تا اینجا متوجه شده‌اید که موفقیت چیزی فراتر از دستیابی به اهداف مالی است. موفقیت یعنی عملکرد و رضایت از زندگی است. عملکرد و رضایت از زندگی برای هر کسی می‌تواند بسیار متفاوت باشد. ولی به‌طور کلی ترکیبی از موارد زیر خواهد بود.

- ۱- زندگی شادی را برای شما فراهم کند.
 - ۲- پول کافی برای شما خلق کند.
 - ۳- باعث ایجاد روابط صمیمی با خانواده و دوستان شود.
 - ۴- زمان کافی برای بودن با عزیزانت را فراهم کند.
 - ۵- بستر آموزش، یادگیری و رشد را برای شما فراهم کند.
 - ۶- باعث پیدا کردن یک شریک زندگی خوب بشود.
 - ۷- باعث رشد و ارتقا جایگاه اجتماعی شما بشود.
 - ۸- شغل رؤیایی را برای شما ایجاد کند.
- نسخه موفقیت باید بتواند موارد فوق را برای شما به ارمغان بیاورد.

تجویز نسخه موفقیت

موفقیت در هیچ حوزه‌ای تصادفی نیست. پزشکان برای رسیدن به هدف از برنامه درمانی پیروی می‌کنند. خلبانان برای رسیدن به مقصد از برنامه پرواز پیروی می‌کنند. سربازان برای پیروزی از برنامه عملیات نظامی پیروی می‌کنند. افراد موفق برای رسیدن به موفقیت از دستورات نسخه موفقیت پیروی می‌کنند. این نسخه موفقیت اکنون برای موفقیت شما تجویز شده است که دارای ۵ دستور به شرح زیر است.

دستور اول: تعیین هدف

برای خودتان ۱۰ هدف مالی انتخاب می‌کنید. در انتخاب این ده هدف مالی هیچ محدودیتی ندارید.

دستور دوم: تعیین سرمایه

برای انجام هر کاری سرمایه لازم است. خوشبختانه شما، تمامی سرمایه‌های لازم برای دستیابی به اهداف مالی خود را دارید. این سرمایه‌ها شامل اندیشه بی‌نهایت، نیروهای درونی قوی و زمان است. شما در زندگی چیزی را به دست می‌آورید که این سرمایه‌های خود را صرف آنها کرده‌اید.

دستور سوم: تعیین روش

دستور سوم شامل یک فرمول تضمینی برای دستیابی به اهداف مالی به شرح زیر است.

باورها * نیروهای درونی * اقدام = هدف مالی

در این دستور یاد می‌گیرید اهدافی را که انتخاب کرده‌اید را باور بکنید. همچنین یاد می‌گیرید تمام نیروهای درونی‌تان را برای رسیدن به آنها فعال کنید. بعلاوه یاد می‌گیرید چه اقداماتی را برای دستیابی به آنها انجام بدهید. انجام همه این کارها شبیه یک بازی خواهد بود.

دستور چهارم: تعیین وسیله

وسیله دستیابی به اهدافتان علاقه شماست. در صفحات پیشین با نحوه تبدیل علاقه به پول آشنا شدید و در دستور چهارم در عمل این کار را انجام می‌دهید و با افراد زیادی که در عمل این کار را انجام می‌دهند آشنا می‌شوید.

دستور پنجم: تعیین زمان

برای یادگیری و پیاده‌سازی این نسخه موفقیت تضمینی شما به ۱۵ ساعت آموزش نیاز دارید. زندگی رویایی شما با اجرای اولین دستور نسخه موفقیت شروع می‌شود.

نحوه دریافت نسخه موفقیت

نباید بی‌جهت زمان خود را هزینه کنید. هر روزی را که سپری می‌کنید، یک روز کمتر خواهید داشت. پس مطمئن شوید که هر روز را هوشمندانه می‌گذرانید. برای دریافت نسخه موفقیت (حل مشکلات مالی) هرگز تردید و تعلل نکنید بلافاصله وارد وب سایت www.drgholipouri.ir بشوید و با دانلود نسخه موفقیت مربی را به منزل خود ببرید و در هر جا و هر زمان که خواستید ثروتمند شدن را آموزش ببینید.

بسته های نسخه موفقیت

نسخه موفقیت در سه بسته به شرح زیر ارائه می‌شوند:

- ۱- نسخه موفقیت استاندارد: این نسخه شامل آموزش صفر تا صد کسب درآمد از علاقه + تضمین عودت وجه در صورت عدم رضایت است
- ۲- نسخه موفقیت ممتاز: شامل نسخه استاندارد + کوچینگ + تضمین عودت وجه در صورت عدم رضایت است.

۳- نسخه موفقیت وی آی پی: شامل نسخه استاندارد + کوچینگ + کمک به کشف علاقه + کمک به طراحی مدل کسب و کار + ارائه تست‌های خودشناسی + دوره‌های خودآگاهی + تبلیغ‌نویسی + بازاریابی + فروش + خودکارسازی سیستم کسب‌وکار + مشاوره و عرضه‌یابی و غیره + تضمین عودت وجه در صورت عدم رضایت است.

پشتیبانی از نسخه موفقیت

همه افراد می‌توانند در زندگی خود به رضایت و عملکرد حداکثری دست پیدا کنند. به شرطی که در محیط رشد مناسب خود قرار گیرند. یعنی کار موردعلاقه‌شان را انجام بدهند (رضایت) و از علاقه خود نیز پول در بیاورند (عملکرد). وظیفه مربی این است هر کسی را در محیط رشد مناسب خودش قرار می‌دهد. محیط رشد مناسب هر فردی با فرد دیگر متفاوت است. این یعنی هیچ‌کس جای کسی را تنگ نمی‌کند و با کسی رقابت نمی‌کند. با تهیه نسخه موفقیت شما از هر گونه دوگانگی یا عدم تصمیم‌گیری در مورد آینده خود خلاص می‌شوید و به هر نوع سؤال شما در کمتر از ۲۴ ساعت پاسخ داده می‌شود.

پاسخ به سؤالات متداول و پر تکرار

۱- من دانشجو هستم و در رشته‌ای که علاقه ندارم دارم تحصیل می‌کنم. آیا برای استفاده از نسخه موفقیت ترک تحصیل بکنم یا رشته تحصیلی خود را تغییر بدهم؟

پاسخ: اگر دانشجو هستید لازم نیست ترک تحصیل بکنید. یا رشته تحصیلی خود را تغییر بدهید. تحصیل در یک رشته غیرمرتبط می‌تواند روابط و اطلاعات شما را گسترش دهد و فرصت‌های زیادی را به روی شما بگشاید. نسخه موفقیت کمک می‌کند مسیر تحصیلی خود را با مسیر موفقیت یکی بکنید.

۲- آیا دانش آموز هم می‌تواند از نسخه موفقیت استفاده کند؟

پاسخ: بله. دانش آموزان بیشترین بهره را می‌برند. زیرا استرس کنکور نخواهند داشت. در زمینه موردعلاقه خود تحصیل خواهند کرد. چون نسخه موفقیت حکم هدایت تحصیلی را برای آنها دارد.

۳- من یک کارمند هستم. آیا نسخه موفقیت برای من نیز مفید است؟

پاسخ: این کتاب برای دانشجویان و جوانان نوشته شده است؛ ولی معنی‌اش این نیست که شما نمی‌توانید از آن بهره‌مند شوید. چون پول در آوردن از علاقه مختص افراد بیکار و کارجو نیست. اتفاقاً کارمندان می‌توانند اوقات فراغت خود را به اوقات کسب درآمد از علاقه خود تبدیل کنند.

۴- افراد بازنشسته چطور آیا آنها نیز می‌توانند از این نسخه استفاده کنند؟

پاسخ: شما می‌توانید جوان و بی‌پول باشید؛ ولی هرگز نمی‌توانید پیر و بی‌پول باشید. پول در پیری عصای دست بی‌منت انسان است. در ثانی نسخه موفقیت هیچ‌گونه ریسک مالی ندارد. چون قبل از هرگونه اقدام از فروش اطمینان حاصل می‌شود.

۵- من نمی‌دانم به چه چیزی علاقه دارم؟

پاسخ: انسان بدون علاقه وجود ندارد. علاقه در درون شماست و کارشناسان و روان‌شناسان کسب‌وکار همکار ما به شما کمک می‌کنند تا علاقه خود را کشف بکنید.

۶- چگونه این دوره، رشد مرا را تضمین می‌کند؟

پاسخ: اولاً برای فهم اینکه این دوره مفید است یا مفید نیست نیاز به سال‌ها تحصیل لازم نیست. شما در عرض ۱۵ ساعت متوجه این موضوع می‌شوید بنابراین عمر شما تلف نمی‌شود. ثانیاً در صورت نارضایتی هزینه شما بدون هیچ‌گونه سئوالی عودت داده می‌شود. برای اینکار کافی است. جمله "پولم را پس بدهید" را به شماره ۰۹۱۴۳۵۳۷۸۹۱ پیامک نمایید. بنابراین هیچ ریسک مالی متوجه شما نیست.

۷- سؤال موردنظر من در بین این سؤالات نیست، چگونه می‌توانم جواب سؤال خود را بگیرم؟

پاسخ: اگر پاسخ سؤالتان در بین پاسخ به سؤالات متداول نبود؛ می‌توانید به دفتر اینجانب در ساختمان مجتمع نوآوری در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان مراجعه کنید.

۸- چگونه کسب‌وکار موردعلاقه باعث می‌شود که شریک زندگی خوبی پیدا کنیم؟

پاسخ: قبل از ازدواج شما صددرصد آزادی عمل دارید تا به دنبال رویاهای خود بروید؛ ولی بعد از ازدواج این آزادی عمل به ۵۰ درصد کاهش می‌یابد. لذا بعد از ازدواج شما نمی‌توانید بدون مشورت و در نظر گرفتن رویاهای شریک خود بدنبال رویاهای خود بروید. اگر این کار را بکنید شریک زندگی تان به پلیس زندگی تان تبدیل می‌شود. بنابراین قبل از ازدواج کار مورد علاقه خود را راه اندازی کنید. در این صورت شریک زندگی شما با قبول شرایط شما وارد زندگی تان می‌شود و شریک رویاهای شما می‌شود و هیچ چیزی بهتر از این نیست که شریک زندگی انسان شریک رویاهای انسان بشود.

۹- آیا نسخه موفقیت شما را ثروتمند کرده؟ اگر ثروتمند کرده؛ چقدر مال و اموال دارید؟ نسخه موفقیت برای من یک زندگی شادی را به ارمغان آورده است. زندگی شاد شامل سلامتی، موفقیت، خوشبختی و سعادت‌مندی است. بطوریکه والدینم به من افتخار می‌کنند و من هم مدیون آنها هستم. منظور خیلی‌ها از طرح این سؤال این است کسی که از ثروت صحبت می‌کند باید ثروتمند باشد؟ مطابق منطق این سؤال کسی که اقیانوس‌شناسی درس می‌دهد باید خودش اقیانوس داشته باشد. یا کسی که جنگل‌شناسی درس می‌دهد باید خودش جنگل داشته باشد. یا کسی که از بهشت و جهنم صحبت می‌کند خودش باید به بهشت یا جهنم رفته باشد. دلیل درستی یک روش منطق آن روش است نه نمایش داشته‌های یک فرد. شما با مشاهده داشته‌های یک فرد انگیزه می‌گیرید و انگیزه دایمی نیست؛ بنابراین دستاورد شما از مشاهده مال و اموال دیگران انگیزه موقتی است و سرزنش دایمی خودتان مبنی بر بی‌استعداد بودن‌تان خواهد بود. چون مشاهده مال و اموال دیگران شما را به جایی که می‌خواهید نمی‌رساند. بنابراین نیاز به مشاهده ثروت دیگران نداری؛ بلکه به یک روش تضمینی نیاز داری که شما را به اهداف‌تان برساند. روش تضمینی روشی است که منطق درستی دارد. اگر روشی قابلیت تکرار شدن را داشته باشد منطق درستی دارد. من به شما فرمول موفقیت را ارائه نمودم که مانند فرمول جاذبه زمین است. یعنی هر کسی در هر کجای دنیا طبق این فرمول عمل کند به اهدافی که تعیین کرده است؛ می‌رسد.

جواب بده، جایزه بگیر

کتاب های زیر آثار دیگری از نگارنده کتاب چکاپ موفقیت است که در بازار وجود ندارد. برای تهیه این کتاب ها کافی است وارد وب سایت www.drgholipouri.ir شوید و دوره رایگان وجود ثروتمند خود را رشد دهید را بصورت رایگان دانلود و مشاهده نمایید و به سؤال زیر پاسخ بدهید.

سؤال: همه انسان ها پتانسیل ثروتمند شدن را دارند، به شرطی که شرایط رشد وجود ثروتمند خود را فراهم نمایند. این شرایط را فقط به شماره ۰۹۱۴۳۵۳۷۸۹۱ پیامک نمایید.

۱- مکانیسم موفقیت ویژه دانشجویان

۲- پولسازی

۳- فرمولاسیون ثروت

نسخه موفقیت

پایانی است برای جستجوی شغل

با نسخه موفقیت

زمانی که هم‌کلاسی‌هایتان شروع به جستجوی شغل

می‌کنند؛ شما شروع به کسب درآمد می‌کنید.

شما را وقتی روی قله‌های موفقیت ایستاده‌اید؛

می‌بینم.

دکتر قلی‌پوری

استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان